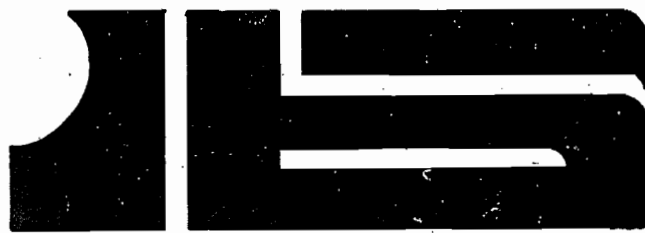


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



قانون اساسی باید منافع
کارگران، دهقانان،
زحمتکشان و همه خلقهای
ایران را تضمین کند

دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۸

قیمت ۱۰ ریال

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال اول - شماره ۲۵

فقط لیست ده نفری در کنار صندوقها و اطراف حوزه‌ها مشاهده می‌شد

● قلب در اکثر
حوزه‌های رأی گیری
دید می‌شد

انتخابات مجلس خبرگان در محیطی کاملاً غیر مکرانیک و در فضایی سرشار از غرض ورزی، تنگ نظری و جبهه‌گیری، زیر نظر مأموران «حزب واحد» و با حاکمیت مطلق تبلیغات این حزب و اعمال نفوذ گردانندگان این باصلاح انتخابات برگزار شد. با این که نیروهای مترقی «شیوه کار» را از قبل پیش بینی می‌کردند و می‌دانستند که شکل چنین انتخاباتی نمی‌تواند از ستوای آن جدا بماند و در نتیجه در صفحه ۷



در روز رأی گیری بر خلاف تمام اصول و موازین انتخاباتی پوسترها و اعلامیه‌های گروه ده نفری در تمام حوزه‌های انتخاباتی به چشم می‌خورد. مأموران رأی گیری به مردم می‌گفتند باید به این ده نفر رأی بدهند.

سخنان کاندیداهای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (که از رادیو و تلویزیون پخش شد)

سخنان حشمت‌الله رلیسی - کاندید سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در انتخابات مجلس خبرگان
از صدای جمهوری اسلامی ایران
با درود فراوان به خلقهای قهرمان ایران! من در یک خانواده کارگری به دنیا آمدم و از ۱۳ سالگی در شرکت نفت آغاچاری بکار مشغول شدم شرکت نفت در آذربایجان، محل مبارزات و زحمتکش‌ترین کارگران ایران بود. کارگران در جریان مبارزاتشان بهمنیاد دادند که طبقه کارگر هرچقدر بیشتر بخواند، بیشتر بیندیشد و در جریان مبارزه تجربه کسب کند بیشتر به خلاقیت و توانایی خود و طبقه‌اش آشنا خواهد شد و بیشتر از سرمایه داران و

سرمقاله

مهندس بازرگان ابقاء قراردادهای اسارت‌بار با امپریالیست‌ها را به نفع مملکت و مردم می‌داند

پیش از این مهندس بازرگان رئیس دولت موقت که بدنبال اشکای استاد خلیلی محرم‌نامه در باره ابقاء قراردادهای نظامی با امریکا، از جانب روزنامه‌کار، ایراد شده آنچنان ماهیت برنامه‌ها و اقدامات او را فاش کرده که حتی آنها لایحه از وی جبهه‌گیری می‌کردند بی‌بمبایت دولت موقت برداشت او در پیام خود نشان داد که دولت آنگذر در وابستگی به امپریالیسم رفته است که با لایحه‌های اعتراف می‌نماید که قراردادهای رژیم سابق با امپریالیست‌ها را ابقاء کرده است. آقای بازرگان گفت: «این قراردادهای شامل انواع قراردادهای تسلیحاتی، خدماتی، فنی و غیره و سفارشات و آذوقه بوده که با از بین بردن فعالیت‌های اقتصادی و کشاورزی محتاج به آنها بودیم و اصولاً بسیاری از این قراردادهای ضد مملکت و خلاف نبوده بلکه برای بالا بردن سطح فنی و اقتصادی و نظامی و دفاعی مملکت بوده است...» (نقل از اطلاعات پنجمین ۱۱ مرداد ۱۳۵۸)
آقای بازرگان برای قریب تودمهای مردم بهزار توجیه و تفسیر متوسل می‌شود تا ثابت کند که گویا ابقاء قراردادهای رژیم سرنگون شده با امپریالیست‌ها نفع مردم مملکت است. اما مردم آگاه ما می‌دانند که این حرف‌ها همانند استدلالهای رژیم گلشنه است. بازرگان میخواهد حتی رژیم منور پهلوی را نیز تیرله کند. قراردادهای اسارت‌باری را که از این پهلوی دلتش بحال مردم سر زده بود و این قراردادهای را له‌زیان خلق بلکه برای بالا بردن رژیم با امپریالیست‌ها منعقد ساخته است به نفع مملکت و مردم جلوه دهد. گویا که رژیم مزدور سطح فنی و اقتصادی، نظامی و دفاعی مملکت با امپریالیست‌ها منعقد کرده است!! این استدلال واقعاً مضحک و غوغا فریانه است. زیرا که تنها دارنده دولت بازرگان و سرمایه‌داران وابسته می‌توانند چنین استدلال کنند که قراردادهای رژیم سابق با امپریالیست‌ها ندرجهت غارت و استثمار مین ما بلکه بخاطر پیشرفت مملکت و خدمت به خلق منعقد شده است.
غلطهای مبارز ما خوب میدانند که قراردادهای مختلفی که رژیم در زمینه‌های اقتصادی

دولت موقت جمهوری اسلامی ایران
نخست وزیر
شماره ۳۰۲/۱۴۰۱/۰۱/۹۸/۱۷ تاریخ ۱۳۵۸/۴/۱۲
بخش فنی مترسره مسانه
تیمسار سرتیپ تقی ریاحی
وزیر دفاع ملی ایران
موضوع: ابقاء قراردادهای پشتیبانی آمریکا
عناص: بنامه شماره ۳۰۲/۱۴۰۱/۰۱/۹۸/۱۷ مؤرخ ۱۳۵۸/۴/۱۲
۱- با بابت قراردادهای مندرج در پیوست دو به شرح پیشیندای موافقت حاصل است.
۲- در مورد قراردادهای مندرج در پیوست یک، موضوع تحت بررسی و تصمیم متخذه متعاً با اعلام خواهد شد.
نخست وزیر
مهدی بازرگان

نحوه برگزاری انتخابات «مجلس خبرگان» نیز گامی دیگر در جهت پایمال کردن حقوق دمکراتیک زحمتکشان و خلقهای ایران بود

کننده نظیر رئیس جمهور و شورای باصلاح لکهای حق حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش را یکبار به حراج گذارد. در یک کلام مشن و محتوای انقلاب شد امپریالیستی و مکرانیک مردم ما را در نظر گرفته و کوئی که چنین اهدافی در متن جنبش و قیام وجود نداشته است. اما پیاده کردن این برنامه، یعنی سرهم‌بندی

ما طی مقالات جداگانه علل و انگیزه‌ها را که هیئت حاکمه در سرهم‌بندی مجلس باصلاح خبرگان بجای مجلس موسان برای تنظیم قانون اساسی داشت، توضیح دادیم. ما ثابت کردیم که انگیزه آنان ساختن و پرداختن یک قانون اساسی است که سیستم سرمایه‌داری را دست نخورده باقی گذارد. حقوق و آزادیهای دمکراتیک مردم ایران را نادیده انگارد. و با ایجاد قدرتهای اجرایی و کنترل

چرا نظامیان آزادیخواه کرمانشاه دستگیر و زندانی شدند

ما بهستم میبینیم که نه تنها دولت، دولتی انقلابی نیست بلکه دولتی است سرکوبگر که در مقابل دیوانسالاری چپا مانده از رژیم پهلوی مات و میوهوت مانده و خود را رو در روی کارگران و دهقانان و زحمتکشانی قرارداده که رابطه خود را از زمین شمش استمار و انتشار در بهم ریختن آن دستگاهها و دیوانسالاری و سوبوایت و سوبوایت خاک برآنها میبینند. ارتش چپامانده از رژیم ماقط شده

بعد از قیام پرشکوه ۲۲ بهمن که خون ۱۶۵ هزار فرزند دلیر خلق قهرمان مینا پشورانه آن بود تودمهای تحت ستم و افتار زحمتکش خلق انتظار داشتند که دولت موقت انقلابی آنها را روشی در پیش گیرد که طومار سرمایه‌داران وابسته، طبقات چپا حاکم بر جامعه و امپریالیسم دمنش حامی آنها در هم ببرد و خلق بیا خواسته بر سرنوشت خود حاکمیت یابد. اما اینک پس از گذشت هماغه از آن قیام قهرمانانه، تودمهای مبارز مین

۱۴ مرداد یادآور انقلاب مشروطه انقلابی که سرانجام سبکسخت خورد

۱۴ مرداد سال ۱۲۸۵ هجری شمس روز صدور فرمان مشروطیت بود. در حقیقت این روز، روز تظاهر سازش بین بورژوازی تجاری و فئودالیسم بود. روزی بود که تجاره که از نظر اقتصادی قدرتی پیدا کرده بودند و می‌خواستند متناسب با آن در دولت هم سهم داشته باشند، موفق شدند و توانستند از نماینده فئودالها (مظفرالدین‌شاه) مهر تأیید بگیرند. در انقلاب مشروطه چه کبانی شرکت کردند؟ مبارزه را تودمها کردند. آنها بودند که بکشت نشسته، آنها بودند که گرسنگی و سختی محاصره و جنگ را تحمل کردند، آنها بودند که بهنگام بتوپ بستن مجلس در زمان محمد علی‌شاه بدفاع پرداختند و کشته دادند، آنها بودند که در تبریز برهبری انجمن غیبی وبه

سیاست دولت در میروان

این گزارش قسمتی از جزوه‌ای تحت عنوان فوق می‌باشد که توسط دفتر هواداران سازمان در سنجش منتشر شده است.
بدنبال درگیری روز ۵۸۴۳۳ بین مردم میروان و پاسداران، مردم برای جلوگیری از هرگونه حادثه‌ای بزرگتر شهر را تخلیه کردند. تخلیه شهر دقیقاً در اطلاعیه منتشره از جانب شورای موقت انقلاب شهر میروان منعکس شد. بیش از ۹۵ درصد از مردم میروان شهر را ترک کرده در شهرستانها یا دهات اطراف وعدهای نیز حدود ۵۵۵۵ نفر در ۱۵ کیلومتری میروان در جاده با شاق مستقر شدند. آوارگان اغلب بیمارند، کبود دکتر شدت احساس میشود. در این مدت کتکهای داری و غنائی از شهرستانها توسط نیروهای مترقی و نمایندگان مردم میروان فرستاده شده است ولی تاکنون نه تنها دولت هیچگونه اقدامی در جهت حل

فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر و صادقانه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیروبخش همه انقلابیون راستین است

اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در روزهای پیش از انتخابات و در جریان توضیح نظرات سازمان و پخش اعلامیه‌ها و تراکتهای سازمان، با برخورداری هشیارانه و با صاف و بردباری انقلابی، رشد سیاسی خویش را به اثبات رسانند و نشان دادند که پیشاهنگان راستین خلقهای قهرمان ایراناند.
حملات گروههای انحصارطلب بهرفقای ما و پاره کردن اعلامیه‌ها و تراکتهای سازمان در روزهای پیش از انتخابات، اعضا و هواداران سازمان را در توضیح نظرات سازمان برای همپیمانان و پخش و توزیع و نصب اعلامیه‌ها و تراکتهای سازمان مصمم تر ساخت. ما ضمن ستایش از این همه فعالیت‌خستگی‌ناپذیر و صادقانه هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران که خودنویس بخش همه انقلابیون راستین است، از رفقا و دوستانی که در این چند روز فعالیت داشتند می‌خواهیم که تجارب خود را جمع‌بندی کرده و برای سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ارسال دارند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

سخنان کاندیداهای سازمان چریکهای فدائی...

بقیه از صفحه ۱

ناتیم و به حقه تبلیغات ضد مردمی رژیم مغفوری که می‌گوید با خنده و تبریک و غواغری نهن کارگران را نسبت به انقلابیون واقعی و مدافعین راستین طبقه کارگر و خود ما را از سازمان چریکهای فدائی خلق ایران دور سازد. اما همان ابتدا دریافتیم که اهداف و آرمانهای ما با اهداف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یکی بوده و دانستیم تنها راه نجات، پیوستن به این سازمان انقلابی و آتش‌پایان‌ساز می باشد این بود که پس از آشنائی با اهداف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و پیوستن به این سازمان چریکهای فدائی خلق که به صداقت انقلابی و بهائیات رسیده بود، تلاش کردیم تا با این سازمان پیوسته شویم و در جهت آگاه کردن دیگر کارگران، با بخش اعلامیه و جزواتی که خود تهیه می‌کردیم به تظاهرات این سازمان در سطح کارخانه پرداختیم.

نوشته و آثار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را در بین کارگران و دیگران زحمتکار توزیع می‌نمودیم و چون به این اصل معتقد بودیم که کارگران باید هر چه بیشتر کتاب بخوانند بیشتر بیاندیشند و علم را به خود راه بیاورند، همواره در سند آن بویژه به کارگران با ارتباط با سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نقش فائوری را در مبارزه داشته باشیم.

آیا شنیده‌اید سرمایه‌دار درد اجاره‌نشینی و بی‌خانمانی کشیده باشد یا شش ماه دنبال کار بگردد که در یک کارخانه‌ای، جایی ششلی بدمت آورد و استخدام شود و قهقهه‌های برای زن و فرزندش تهیه کند؟ اگر قدرت در دست سرمایه‌داران باشد و آنان در حکومت باشند همه حق زیر دست پایمال می‌شود و کارگر و دهقان و کاسب و سرایز و آموزگار چیزی نصیبشان نخواهد شد. حالا می‌خواهد قانون اساسی همین قانون اساسی باشد یا غیر از این باشد. گذشته از این مطلب، ما معتقدیم که همین پیش‌نویس قانون اساسی اصلاً منافع طبقه کارگر و طبقات پایین جامعه را در نظر نگرفته است. هدف این پیش‌نویس حفظ همان رژیم سرمایه‌داری بوده است. سراسر این قانون هیچ اشاره‌ای به حقوق طبقه کارگر نکرده است. حق اعتصاب که از ابتدائی‌ترین حقوق و حربه موثر طبقه کارگر برای دفاع از حقوق خود در برابر سرمایه‌داران است، در پیش‌نویس قانون اساسی از کارگران سلب شده است. حق داشتن کارمناسب، حق طبیعی هر انسان زنده است. قانون اساسی این حق کارگران را پایمال کرده است هر عضو جامعه باید حق داشته باشد مسکن مناسب برای زیست خود داشته باشد، قانون اساسی باید این حق مردم را به رسمیت بشناسد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران چه می‌گوید؟

سازمان ما در سخت‌ترین شرایط تاریخی و در سیاه‌ترین سالهای دیکتاتوری قد علم نمود و هر چه مبارزه علیه دیکتاتوری و امپریالیسم را برافراشت. بنیان‌گذاران سازمان چریکهای فدائی خلق و ادامه دهندگان آن در یک مبارزه طولانی در شهر و روستا و در جنگ‌گاه‌ها، در بیدارگاههای نظامی و در میدانهای تیرباران از حقوق تمام خلقهای ایران در برابر دیکتاتوری کثیف شاه مطلع دفاع نمودند. در طول قیام سازمان چریکهای فدائی خلق همگام با مردم ایران و پیشانی آنها در قیام شرکت جست و در ۲۲ و ۲۳ بهمن هرماه با توده عظیم خلق به کمک همکاران مبارز شتافت. تا دیکتاتوری شاه را بگور سرب واز این طریق برگه زرنی از فدائاری بر تاریخ خونبار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نوشته شد. بعد از قیام نیز در کنار زحمتکاران و دیگر خلقهای ایران با بقایای ارتجاع و عوامل امپریالیست مبارزه برپا داشت. در شرایط کنونی، عیدای ما را متهم می‌کنند که از همه چیز ایران می‌گیریم، بقول معروف همیشه منفی‌بانی می‌کنیم. ما می‌گوییم اینها حرف کالی است که می‌خواهند نگذارند مردم آگاه شوند، تا بدینوسیله رژیم سرمایه‌داری را حفظ کنند. ما می‌گوییم حکومت باید به زحمتکاران کارگران، دهقانان و سایر زحمتکاران مثل سربازان و رده‌های پایین ارتش سپرده شود. مردم ما بیاد دارند که در طول مبارزات پرشکو خلق، در جریان قیام، کارگران در کارخانه خورا تشکیل دادند و اداره امور را تحت کنترل خود گرفتند، سربازان نیز در ارتش کوشیدند تا ایجاد شوراهای نظامی را امور پادگانها را خود بستم گیرند. ما اکنون در بسیاری از روستاهای ما شوراهای دفاعی تشکیل شده است. در ادارات دولتی نیز کارمندان در اکثر جاها خورا تشکیل دادند. و در سنت نفت کارگران و کارمندان آگاه و مبارز که با اعتصاب حجاب آفرین خود لوله‌های نفت را بسته گولی استبداد را فترند و راه را برای پیروزی خلقهای ایران بر رژیم شاه را کثودند. آنها با تشکیل شوراهای و کنترل پالایشگاهها و تاسیسات نفتی، بلسو سیاسی خود را نشان دادند و در این زمینه نیز پیشگام سایر نیروها بودند. و آنان ثابت‌نبودند که می‌توانند بدون دخالت عناصر وابسته به رژیم سابق، اداره امور را در دست بگیرند. نمونه بارز آنرا می‌توان در پالایشگاههای آبادان و تهران مشاهده نمود. این کار کارگران و کارمندان شرکت نفت نشانه قدرت و توان آنها در اداره جامعه و یکی از نشانه‌های انکلی بودن و مفت‌خور بودن آن عناصر مزدور وابسته به رژیم سابق بود. ما همه اینها را به تجربه دریافته‌ایم. بر ما ثابت شد که تنها شورای انقلابی کارگران است که هم منافع و هم کارگران و نه کارفرمایان و هم قدرت کنترل و اداره امور را داراست.

در زمان قیام سازمان چریکهای فدائی خلق

ایران با رهنمودهای خود مردم را به آموختن از کارگران منت نفت دعوت می‌کرد. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌گوید دولت باید منتخب شوراهای کارگران و دهقانان و سربازان و دیگر اقشار زحمتکش خلق باشد. قانون اساسی که رژیم حکومتی ایران را تعیین می‌کند باید به زحمتکاران نمایندگان شوراهای انقلابی کارگران و دهقانان تنظیم شود. ما فکر نمی‌کنیم نتایج کار مجلس خبرگان سرمایه‌داران را از حکومت بدوراندازد و جای آنها را به کارگران و زحمتکاران دهد. چون مجلس خبرگان، مجلس نمایندگان کارگران و دهقانان و زحمتکاران نیست. با درود به همه خلقهای ایران متحکم باد اتحاد کارگران، دهقانان و سایر زحمتکاران ایران مرگ بر امپریالیسم جهانی بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا

حسنت‌الله رئیس کارگر مکانیک ماشین‌های سنگین پالایشگاه تهران کاندیدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - از تهران

سخنان رفیق دانشگری

با درود به خلقهای قهرمان ایران من رفیق دانشگری کاندیدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای دفاع از حقوق کارگران، دهقانان و کلیه زحمتکاران ایران در انتخابات مجلس خبرگان شرکت می‌کنم. فعالیت سیاسی من از سال ۲۲ شروع شد و سال ۲۹ به سازمان پیوستم و سال ۵۰ توسط مزدوران رژیم سابق دستگیر شدم طی سزای یک بهشت سالی که در زندان بودم، از ترقیب شاه دلاوریا و قهرمانیهای زنان مبارز که به زبان می‌توانم به یاد بیاورم دیگر بابت می‌کنم که برخلاف تمام آن چیزهایی که به الان بهما تحمیل کرده‌اند، زلال می‌توانم در تمام زمینه‌ها پایای مردها شرکت فعالانه داشته باشم. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران معتقد که قانون اساسی یک کشور که حاصل خولهای پیچیده مردم باید حتماً پاسخگوی نیازهای اولیه و کلیه نیازهای تمام زحمتکاران کشور باشد و در مورد حقوق زنان متقدم، زن و مرد در حقوق اجتماعی بهم برابرند در حالیکه قانون اساسی می‌گوید: زن و مرد در مقابل قانون بهم برابرند این سؤال پیش می‌آید که: کدام قانون؟ ممکنه قانون وضع به که حقوق زنان رو نادیده بگیرد، ممکنه زنان رو خانه‌نشین بکند، ممکنه اصل تمدن زوچات برای مرد رو محترم بگیرد، ممکنه حق طلاق رو از زن سلب بکند و ممکنه نذره زن در فعالیت‌های اجتماعی شرکت فعالانه داشته باشد. ما معتقدیم این قانون از اساس نابرابر و در اصل ۲۲ در حقیقت به نفع مادر بودن و زن بودن می‌خواهد زن رو خانه نشین بکند. ما معتقدیم در جامعه‌ای که اساس این جامعه بر نابرابری استوار یعنی یک عده هستن که دائم می‌چاپن و یک عده هستن که دائم چاپیده می‌شن یک عده هستن که دائم زحمت می‌کنن: کارگران، دهقانان و همه زحمتکاران و یک عده هستن: زمینداران بزرگ و سرمایه‌داران که دائم می‌چاپن و دائم حاصل دسترین دیگران رو به غارت می‌برن. این اساس جامعه ما رو تشکیل میده و این نابرابری باید از اساس ریشه کن بشه و برای زن و مرد هم فقط وقتی قابل اجراء است که این نابرابری از بین بره. به نگاه کوتاه به همین شهر تهرمون بنده‌ایم. شمال شهر و جنوب شهر مثل دو دنیا می‌مون: شمال شهر، خونواده‌ها، زنهاش و باطل‌سازان و دروازه‌هاش از تمام امکانات برای پروروندن بچه‌های خودشون برخوردارن. بچه‌هاشون از همون اول توی بهترین زایشگاهها دنیا می‌آید: در زیر نظر بهترین متخصصان رشد می‌کنه، بهترین مدرسه‌ها میرن، بهترین غذاها رومی‌خورن، بهترین لباس‌ها رو می‌پوشن و بعد به بهترین جاهای خارج از کشور می‌برن برای تحصیلات دانشگاهی و در حالیکه بچه‌های جنوب شهر دائم توی خاک و غل می‌غلطند و حتی زمین برای بازی‌شون ندارن، امنیت ندارن، بهداشت ندارن، حتی یک بقول معروف «سر» پناه ندارن. در حالیکه تو قیامی شرکت

کرده؟ همین پاره‌ها، همیناییکه زحمت می‌کنن شب و روز و به ادعای آقایون سرمایه‌دارها قابلیت هیچ کاری رو ندارند. در حالیکه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌پرسه: آیا همین‌ها نیستند که کارخونه‌ها رو می‌گردونن؟ زمینی بایر رو آباد می‌کنن؟ بازارو پاره می‌ندازن؟ اداره‌ها رو اداره می‌کنن؟ پادگانها رو می‌چرخونن؟ و در قیام دلاورانه شرکت کردند؟ کی بود که قیام رو به پیروزی رسوند؟ کی بود که شاه رو از ایران بیرون کرد؟ همین پاره‌ها، همینایی که می‌کنن قابلیت شرکت در حاکمیت سیاسی رو ندارند. ما معتقدیم تنها و تنها نمایندگان واقعی اینها هستن کمی‌تون قوانین رو بنفع زحمتکاران تصویب کنن و تنها و تنها این زحمتکاران هستن که می‌تونن در امور سیاسی کشور شرکت فعالانه داشته باشن. اینها قابلیتشون را در طول تاریخ به اثبات رسوندن. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران معتقد، زمین باید مال اون کسی باشد که روش کار می‌کنه، کارخونه باید مال اون کسی باشد که توش کار می‌کنه، و سرمایه‌های کوچک در مقابل سرمایه‌های بزرگ باید قوانینی بگذرونن که حفظ بشه. زنا باید در تمام امور با مردا یکسان باشن. زنا زحمتکش تو کارخونه باید شریک مردا باشن و نه دودک داشته باشن، مزد ماوی با مردا بگیرن و تمام برابری‌های زن و مرد رعایت بشه. هیچ قانونی از نظر ما که این برابری رو به زنده نگه می‌داره نیست. مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی وابسته به آن

پیروز باد مبارزه زحمتکاران جهان رفیق دانشگری - کاندیدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سخنان مصطفی مدنی

با درود به همه خلقهای قهرمان ایران من می‌خواهم در این فرصت بسیار کوتاه‌تقاضی را که به سر نوشت همه ما مربوط می‌شود با شما مطرح کنم. نمایان می‌شود که مجلس شورای ملی مهمتر است یا مجلسی که قانون اساسی را تعیین می‌کند. می‌کنند: کالی که این پیش‌نویس را تهیه کرده‌اند خودشان در اصل ۵۰ قانون اساسی گفته‌اند «هر ۱۵۰ هزار نفر جمعیت ایران می‌توانند یک نماینده به مجلس شورا بفرستند» این ترتیب مجلس شورای ملی می‌خواهد بر اساس قانون اساسی، قوانین عادی را تدوین کند، مجلسی که اهمیتش است که می‌پرسد کشت از اهمیت مجلسی است که می‌خواهد قانون اساسی را تدوین کند. ۲۷۰

بگذارند از ورود نمایندگان واقعی آنها می‌ترسند. چرا فقط خبره؟ خبره، درجی، خبره در خرافاتی؟ از نظر ما خبره کسی است که در دفاع از کارگر، سرباز، دکاندار، دهقان، دانشجو و مسلم در برابر سرمایه‌داران و اربابان امپریالیست آنان خبره باشد، خبره کسی است که در کوره مبارزات خلق آیدینه شده باشد. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران معتقد است این یک مجلس انصار طلبانه است. پیش از ۹۷ درصد مردم این کشور کارگر، دهقان، و بازاری، و دانشجو، و مسلم سرباز، راننده، و کارمند و از این قبیل هستند آفتاب بینندگان چندتا از کرسی‌های مجلس پایتخت بپایان بیاورند. رسیده از خود اینها چند نفر به مجلس می‌روند؟ نتیجه کار این مجلس از قبل معلوم است که چیست؟ مجلسی که از ۹۷ درصد مردم کسی در آن نباشد معلوم است که نتیجه‌اش چه خواهد شد. با توجه به تبلیغاتی که برآوردند تا هنوز همه مردم از محتوای قانون اساسی چیزی نمی‌دانند و چه با که آن رای هم می‌دهند ولی در آینده ملا آرا خواهند شناخت. و آرا مخالف منافع خود خواهند یافت. علاوه بر همه اینها، کارهای دیگری هم کرده‌اند که حتی یک نفر مخالف این پیش‌نویس هم نتواند وارد همین مجلس ۷۵ نفر بشود. ببینید چطور، خیلی ساده راه رو را بسته‌اند:

عده‌ای که انتخاب می‌شود ۷۵ نفر هستند یعنی طبقه هر ۲۵۰ هزار نفر رای دهند باید یک نماینده انتخاب کنند ولی می‌دانید چه کرده‌اند؟ گرداندن آنرا به پای اینها اعلام کنند هر کسی که ۲۵۰ هزار رای بیاورد حق ورود به مجلس خبرگان را دارند. گفته‌اند حاضرین اکثریت حق ورود به مجلس خبرگان را دارند ملا در تهران چون هر کسی بده نفر رای میدهد دختر اول که ملا کسی پیش از یک میلیون رای می‌آورد انتخاب می‌شود اما نفر یازدهم اگر ۵۰۰ هزار رای هم بیاورد انتخاب نمی‌شود. یا اگر در تهران دو حزب وجود داشته باشد و یک حزب ۲ میلیون رای بیاورد و حزب دیگر یک میلیون رای از حزب دوم هیچ نماینده‌ای انتخاب نمی‌شود.

ما می‌گوییم همه زحمتکاران ایران، همه مردم ایران باید شغلی داشته باشند هیچ کس نباید بی‌کار باشد. همه مردم ایران باید مسکن مناسب و باید زندگی راحتی داشته باشند.

انصار طلبی محض است. این راه انداختن مجلسی است که مخالفان حق‌ورود به آرا ندارند نتیجه این حقه چه می‌شود؟ ملا ترکن صحرای را با مالداران قاطی کرده‌اند تا نمایندگان خلق ترکن حتی اگر رای هیچ خلقی را نگیرند بیاورند بازم به مجلسی راه داشته باشند یا از نجره آذربایجان غری تقسیم‌بندی شده کسی به مجلسی راه پیدا نکند. ما باید همه این حرفها را به مردم بزنیم تا بدانند چه مجلس می‌خواهد بجای آنها برایشان تصمیم بگیرد و حقوق آنها را حفظ کند.

حالا ببینیم این انتخابات در چه شرایطی برگزار می‌شود: در روزهای گذشته کسانی که حرف حباب را قبول ندارند کالی که کار دیگری جز پاره کردن اعلامیه و بیابانهای بی‌سروهای و غارت کتابخانه بلد نیستند باهاش اربابهای خود افزودند و هر جا که طرفداران طبقه کارگر و دهقانان، هر جا که مخالفان مردم اجتماعی تشکیل دادند می‌گرفتند یا هوچگری و حیاها، اجناعات مردم را به هم می‌زنند و اعلامیه و بیابانهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را که برای آگاهی مردم می‌گویی؟ ببینید سرمایه‌داران و عوامل آنها چقدر از حرفهای ما می‌ترسند؟

ما می‌گوییم همه زحمتکاران ایران، همه مردم ایران باید شغلی داشته باشند هیچکس نباید بیکار باشد همه مردم ایران باید یک خانه مناسب داشته باشند همه مردم ایران باید زندگی

پیش‌نویس قانون اساسی، بر ضد منافع کارگران، دهقانان، زحمتکاران و همه خلقهای ایران است

بقیه در صفحه ۳

حقوق کارگران مرغداری‌ها پایمال میشود

تومان استخدام می‌شوند و این در شرایطی است که شرکت سودهای سرسام‌آوری بدست می‌آورد (به‌ویژه در ماههای اخیر و به‌خاطر وجود بازار سیاه) در عین حال سرپرستان کارفرما که نقش چشم و گوش کارفرما را در واحدهای تولیدی دارند با حقوق ماهانه بیش از ۵۰۰۰ تومان از کلیه امکانات رفاهی و مسکن نیز برخوردارند. بعد از عید کارگران شرکت زربال یکبار دست به اعتصاب زدند و

آمل - بعد از ظهر روز شنبه ۴ مرداد داود قلی‌پور کارگر لوله‌کش شرکت مرغداری زربال بهنگام نصب پنکه سقفی دچار برق‌گرفتگی شد و به‌خاطر نداشتن لباس ایمنی جان باخت.

شرکت زربال از جمله واحدهای گروه تولیدی «ایفا» است که ۲۵۰ کارگر و ۲۵ کارمند دارد.

کارگران این شرکت‌ها بیشتر فاقد تخصص هستند و با حقوق ماهانه ۱۲۰۰ تا ۱۴۰۰

سخنان مهدی حاج قاضی تهرانی

کاندیدای سازمان کارگران پیشرو تهران

درد و سلام به‌همه دوستان کارگر و رنج‌بیر ایران

قبل از ورود به بحث مربوط به پیش نویس قانون اساسی و نظر سازمان کارگران پیشرو ایران و اینکه از طرف آن سازمان به‌منوآن کاندیدای نمایندگی مجلس خبرگان معرفی شدن لازم می‌بینم بطور اختصار خود را معرفی کنم.

از صاحبان کارخانه‌ها به‌خاطر وابستگی و سرپرستی به‌رژیم و از ترس انتقام سودمندان از مملکت فرار کرده و میلیاردها سرمایه مردم را به خارج منتقل کردند. و کارخانه‌ها عملاً از کار بازماند. و میلیون‌ها بیکار بوجود آمدند. و وارثین رژیم در جواب خیل عظیم بیکاران آنان را به کلوله بسته و با انواع برچسب‌های غیر واقعی متهم می‌سازند. در حالیکه به‌طور کلی می‌دانیم شکم گرسنه باید از غذا سیر شود تا بعداً بتواند فکر کند. در همین مورد ما شاهد تناقض اظهارات و تمسح‌ها و اعتصابات خیل بیکاران بودیم که سرانجام به پرداخت مبلغ ناچیزی پول که با شروطی همراه بود گردید ولی چنانکه می‌دانیم پرداخت مختصری پول را هم بزودی قطع خواهند کرد. لیکن خیل بیکاران هنوز وجود دارد. و دولت موجود از حل مساله بیکاری عاجز بوده و نمیتواند جوابگو، در قبال این خیل عظیم بیکاران باشد.

در چنین شرایطی است که دولت در نظر دارد مجلسی از «خبرگان» بوجود آورد. که در آن مسائل پایهای جامعه مطرح شده و حل گردد. و بدین باره طرحی بنام «پیش نویس قانون اساسی تدوین کرده و در معرض افکار عمومی قرار داده است. بنظر من و سازمان ما چون تنظیم کنندگان پیش‌نویس هرگز نمی‌توانیم که در این کار نقش داشته باشیم. و در نظر من و سازمان ما چون تنظیم کنندگان پیش‌نویس هرگز نمی‌توانیم که در این کار نقش داشته باشیم. و در نظر من و سازمان ما چون تنظیم کنندگان پیش‌نویس هرگز نمی‌توانیم که در این کار نقش داشته باشیم.

امروزه آمده‌اند و پیش‌نویس را در برابر ما گذاشته‌اند و به‌منی ما هم از آن دفاع می‌کنند و وقتی می‌خواهند مردم و زحمتکاران این قانون را تأیید کنند سعی می‌کنند به‌روش‌های مختلف آن را به‌اصول قوانینی که در این قانون هست منحرف کنند. س ک ب وظیفه خود میدانم که به‌مردم توضیح بدهم امضای مردم را پای چه قانونی می‌خواهند بزنند ما وظیفه داریم به کارگران و دهقانان و زحمتکاران توضیح بدهیم این قانون چگونه منافع مخصوص آنها را تأیید کرده و با اگر دیگر وجهه‌های بی‌سروته و نامفهوم کوشش شده که آنها از آن سردرناورند. پیش نویس قانون اساسی را نگاه کنید اصل ۲۳ آمده است که «دعوت به وحشی و جان و مال و مسکن اشخاص محترم و از ترس مسون است مگر به حکم قانون» و ماده‌های بسیاری شبیه آنچه آمد در این قانون وجود دارد. ما می‌بینیم به حکم کدام قانون؟ چرا و به چه علت؟ و در کجای می‌توان به شخصیت و عقیده و حیثیت افراد تعرض کرد. قانون اساسی باید خودش مرجع باشد نه اینکه قانون به قانونی ناشناخته و رموز رجوع کند ما می‌گوییم که به عقیده مردم تحت هیچ شرایطی نباید تعرض کرد عقاید باید آزاد باشد در صورتیکه این باده عملاً این آزادی را مشروط می‌کند به قانونی که ما از آن هیچ اطلاعی نداریم.

با درد و سلام به همه کارگران و زحمتکاران ایران

مهدی حاج قاضی تهرانی - کارگر کارخانه لنت ترمز ایران

کاندیدای سازمان کارگران پیشرو از تهران

اعتصاب ۴۰۰ کارگر کوره پزخانه‌های مراغه

مراغه - بیش از ۴۰۰ نفر از کارگران شش کوره پزخانه مراغه از روز ۲۸ تیر به‌خاطر کاهش دستمزد و اخراج چهار نفر از کارگران دست از کار کشیدند.

کارگران کوره پزخانه‌های این منطقه که قبلاً در مقابل هر یک هزار و شصت و پنج تومان مزد دریافت می‌کردند در پی تقلیل دستمزدشان بهشت تومان در کوره پزخانه حاجی قدرت جمع شده و از کارفرما می‌خواهند که علت این کار را به کارگران توضیح دهد. کارگران

اعتراض شدید کارگران شهرداری مشهد

به‌خاطر مرگ يك کارگر

مشهد - با دیدن يك کارگر زحمتکش در حین کار، برادر نبون وائل ایمنی کارکنه شد.

روز شنبه ۲۶ تیرماه گذشته، محمد آدینه کارگر نقاش شهرداری مشهد که مدت ۲ سال در این کارگاه کار کرده بود هنگامی که در داخل يك تانکر آتش‌نشانی می‌ایستاد به‌دلیل نقص فنی بر اثر اتصال بصر و انفجار تانکر به بیرون پرت شد و بلافاصله جان سپرد.

در پی این حادثه مسئول کارگاه از ترس کارگران فرار می‌کند و شهردار مشهد نیز که به‌محل آمده بود با اعتراض شدید کارگران روبرو می‌شود و مجبور به ترک محل می‌شود. اعتراض شدید کارگران به‌خاطر این بود که مشابه این حادثه چند بار دیگر در کارگاه شهرداری اتفاق افتاده و منجر به مرگ و یا نقص عضو کارگران شده بود.

سوال کارگران این است که آیا اگر مسئولان شهرداری مشهد برای حفظ جان کارگران ارزشی قائل بودند و مسئول کارگاه و وائل ایمنی لازم را در اختیار کارگران می‌گذاشت این حادثه اتفاق می‌افتاد و مادر پیر و مهر و فرزند چندساله «محمد آدینه» به‌سرپرست می‌ماندند.

اتحاد برای ابقای

مدرسه عالی مدیریت لاهیجان

در پی اعتصاب کارگران و کارکنان مدرسه عالی مدیریت لاهیجان بدلیل تعطیل کردن این مدرسه عالی، اطلاعیه‌ای از طرف شورای هماهنگی مدرسه عالی مدیریت لاهیجان و همچنین کارگران و کارکنان این مدرسه عالی انتشار یافت.

در یکی از اطلاعیه‌ها ضمن شرح تاریخچه این مدرسه عالی و نقش آن در جنبش دانشجویی در زمان قیام و نقش اقتصادی و فرهنگی‌اش در منطقه گفته شده: «... ما به‌روزی جنبش و روی کارآمدن «دولت انقلابی» امید دانشجویان و کارکنان و اساتید این مؤسسه مبنی بر بازسازی و گسترش مدرسه عالی بسیار گشت به‌خصوص با توجه به مشکلات دولتی انقلابی از نظر تمدن فراوان فارغ‌التحصیلان دبلم بیکار که این مدرسه عالی می‌توانست در سطح منطقه قسمتی از این مشکل را حل کند و در ضمن به اقتصاد شریعورده شهر کمک نماید. انتظار می‌رفت که دولت هرچه سریعتر درباره بازسازی این مدرسه عالی اقدامی بعمل آورد. در تاسهایی که بدنبال این رابطه با وزارت علوم بعمل آمد وزیر علوم مثله را بدانشگاه گیلان موکول نمود که به‌لطف دیربهای داخلی دانشگاه گیلان بازهم مسئله پذیرش دانشجویان و اساتید این مدرسه عالی در پایان اطلاعیه‌ای دیگری اعلام داشتند: «ما پیمان بسته‌ایم که تا به‌زندگی روبرویم این محیط آموزشی جان تازه‌ای نبخشیدیم از به تشییم. برای این منظور دانشجویان از امتحانات خود صرف‌نظر کرده‌اند اساتید از پست‌های بهتری که در انتظارشان هست چشم پوشیده‌اند و کارکنان شرف ما با تمام فکری که بر زندگیشان وارد می‌آید با کسر نداشته، همگی برای احیای این کانون علمی و فرهنگی بسیج شده‌اند.

ما اعتقاد داریم دست در دست هم ابقای مدرسه و پذیرش دانشجویان برای همراهی و تسبیل خواهیم کرد و در آینده‌ای نه‌چندان دور دانشکده‌ای نمونه (در شهرستان لاهیجان) خواهیم داشت.

سخنان کاندیداهای سازمان... .

بقیه از صفحه ۲

وحت دارند آنها میدانند که سازمان‌چریک های فدائی خلق ایران هدفش آگاه کردن کارگران، دهقانان و زحمتکاران و اعتمادآنان هاست و به‌خوب میدانند که آگاه شدن شا و اتحاد همه ما یعنی پیروزی زحمتکاران، آزادی زحمتکاران یعنی آزادی همه مردم مستبدانه و نابودی سرمایه‌داری یعنی از بین رفتن استثمار. همین دلیل همیشه سعی می‌کنند با دروغ‌پردازی و تهمت پراکنی این فکر را در شا بوجود آورند که نیروهای انقلابی و مدافع مردم، اخلاک‌گرا و وابسته به کشورهای خارجی هستند، ولی امروز کارگران و زحمتکاران آگاه ما به‌خوبی میدانند که فدائیان خلق ایران، مدافعان راستین طبقه کارگر از میان زحمتکاران ایران برخاسته‌اند.

خلق‌های دلاور ایران! فریب تبلیغات سرمایه داران و قربانیان سرمایه‌داری را نخورید، فریب تبلیغات آن کسانی که از آگاه شدن توده‌ها و از اتحاد ما می‌ترسند نخورید. حتی یادتان هست که رژیم شاه از طریق همین رادیو - تلویزیون ما را خرابکار، اخلاک‌گرا و وابسته به بیگانه و دشمن شا معرفی می‌کرد اما بالاخره برای همه شا ثابت شد که این شاه و سرمایه داران وابسته بودند که نوکر سربرده بیگانه و دشمن همه ما بودند و بالاخره ثابت شد که همه ما باید برای آزادی و رفاه زحمتکاران دست در دست یکدیگر گذاشته و در برابر دشمن مشترک یعنی سرمایه‌داران و امپریالیسم متحد شویم.

یادمان باشد که هنوز قدرت در دست سرمایه داران است، حالا هم هروقت فرصت می‌کنند دوباره با دروغهایی که از همین رادیو - تلویزیون پخش می‌کنند سعی دارند ما را از هم جدا کنند. نمونه‌های این تلاش‌ها را در روزهای گذشته دیدیم و از این بیم هم خواهیم دید. ما اطمینان داریم که سرمایه داران، برای جلوگیری از اتحاد ما و برای سرکشی بر علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران تبلیغ کنند و دروغهای شایع را پرازند. بداند که هروقت بر علیه سازمان چریکهای فدائیس

راحتی داشته باشند. کشور ما یکی از ثروتمندترین کشورهای دنیاست. اما اکثریت مردم ما از فقیرترین مردمان دنیا هستند. با استثمار کارگران و زحمتکاران ما، با غارت ثروت‌های ما، سرمایه‌داران داخلی و خارجی هر روز ثروتمندتر میشوند ولی اکثریت جامعه ما به‌خشی شکم خود را سیر می‌کنند و برای گذران زندگی خود باید از صبح تا شب کار کنند و آنقدر زحمت بکشند که در جوانی پیر و فرسوده شوند. خیلی از مردم ما حتی يك خانه مناسب هم ندارند که توی آن زندگی کنند. توی خانه‌های محقر، توی خانه‌های خشتی و گلی که با يك زنانه روی سرشان خراب می‌شود، و توی زانها زندگی می‌کنند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران می‌گوید، قربانیان ریشه‌کن خود، استثمار باید از بین برود. ما می‌گوییم تا امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته که شیره جان مردم را می‌مکند تا سرمایه دارانی که کارخانه و زمین‌های مردم ما را تساحب کرده‌اند در این کشور وجود دارند وضع مردم در اساس تغییری نخواهد کرد. ما می‌گوییم دست سرمایه‌داران وابسته و زمین داران بزرگ باید از جان کارگران، دهقانان، دکانداران، معلمان و کارمندان سرپازای یعنی بطور کلی از جان زحمتکاران خلق کوتاه شود. ما می‌گوییم پیش‌نویس قانون اساسی خبیث. يك از این حقوق مردم را در نظر نگرفته و بر عکس مالکیت سرمایه‌داران را بر کارخانه‌ها، شرکت‌ها و زمین‌های بزرگ پذیرفته است. سرمایه‌داران و عوامل آنها خوب میدانند اما چه می‌گویم و با چه کسی دوست و با چه کسی دشمن هستیم. آنها عمدی را بکار گرفته‌اند تا تبلیغات دروغ خود از احکامات يك برخی از جوانان ما و از احکامات يك مذهبی‌مردم سوء استفاده کنند و نگذارند صدای ما بگوش مردم برسد. در مائزندان کاندیدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، دکتر فردوس جیشیدی رودباری هر کجا که خواست با مردم صحبت کند، هر کجا که خواست راجع به حقوق مردم حرف بزند، عمده اخلاک‌گرا که مبدودی از افراد ناآگاه را نیز تحریک کرده بودند.

ما می‌گوییم دست سرمایه‌داران وابسته و زمین‌داران بزرگ باید از جان کارگران، دهقانان و سایر زحمتکاران کوتاه گردد.

خلق ایران تبلیغ کردند درواقع دارند بر علیه همه مردم ایران توطئه می‌کنند. اگر امروز مجبور شده‌اند به‌خاطر فشار نیروهای انقلابی و برای حفظ ظاهر چند دقیقه‌ای از وقت رادیو را به اختصاص بدهند اما می‌دانیم که بلافاصله پس از انتخابات، تبلیغات کذابی خود را علیه ما آغاز خواهند کرد. بنابراین چه فردا، چه يك ماه دیگر و چه يكسال دیگر هروقت بر علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران سپاشی و دروغ‌پردازی کردند، حرف‌های امروز ما به‌خاطر آوردن فدائیان خلق فدائی همه کارگران، دهقانان، فدائیس زحمتکاران و فدائیس همه مردم مبارز ایران هستند. در طول ۹ سال مبارزات خونین خود و با دادن صدها شهید این را به اثبات رسانده‌ایم. ما با خون خود با مردم پیمان بسته‌ایم. ما دشمن آتش‌ناب‌داری سرمایه‌داری بزرگ و امپریالیسم هستیم. بنابراین سرمایه‌داری هر وقت مناسب تشخیص دهد بر علیه ما تبلیغ خواهد کرد.

مرگ برای امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

پیروز باد مبارزات حق طلبانه خلقهای ایران با درد به‌همه خلقهای ایران

مسئله مدنی کاندیدای سازمان چریکهای فدائی خلق از تهران

با حمله به‌میتنگ و یرتاب سنگ و باره آجر شترانی را به‌سمت زد و غور و پدل کردند. این اخلاک‌گرا، این نقان انکشی‌ها و این‌ها به‌سازیه بنفع کیست؟ این کارها فقط و فقط بنفع سرمایه‌داران بزرگ و امپریالیستها تمام میشود و بزیان همه مردم ایران است.

مردم دلاور ما تنه آگاه شدن هستند، می‌خواهند. همچنین را بفهمند. می‌خواهند دولت دشمن خود را بشناسند. اما سرمایه‌داران که از آگاهی و اتحاد مردم وحت دارند کارشکنی می‌کنند. پرسش ما این است که چرا دولت که ادعا می‌کند آزادی را قبول دارد، وقتی این اتفاقات می‌افتد اخبار را تحریف و جعل می‌کند و هیچوقت حاضر نیستد این اخلاک‌گرا را محکوم کند؟

تعلب دیگری هست که می‌خواهم بگویم همه می‌فهمان، بگویم همه کارگران، دهقانان و همه زحمتکاران ایران، بگویم همه زنان و مردان ایران برسند. توجه کنید من بعنوان يك فدائی خلق، يك فدائی زحمتکاران، پیامی دارم که از همه شا می‌خواهم به آن گوش کنید و هیچوقت فراموش نکنید.

سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ همیشه سعی دارند تگنارند صدای ما بگویم شا و صدای شا بگویم ما برسند.

سرمایه‌داران از تردید شدن ما با شا

پیش بسوی ایجاد و تقویت شوراهای واقعی

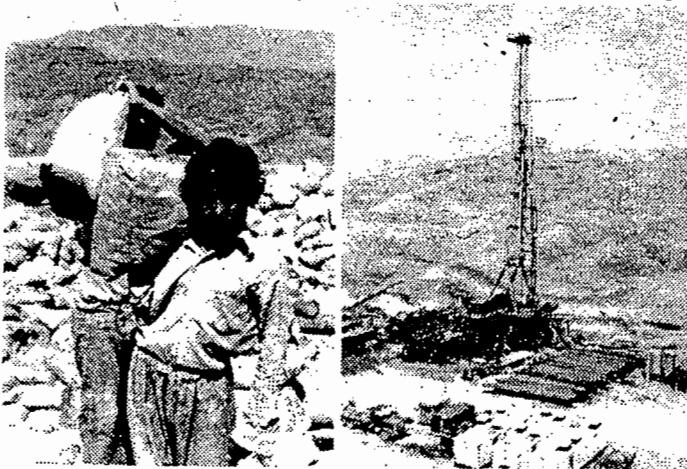
نامه يك کارگر اخراجی:

«دولت باید بداند که نمیتواند جلوی حرکت تاریخی کارگران را بگیرد»

روی کتب نشسته است. نمی‌داند بودجه دولت از کجا تامین میشود. از کجای آن می‌داند که بزرگی یا آمریکاییها، مگر جز این است که هرچه دولت دارد و سرمایه‌داران دیگر همه اینها مال کارگر و دهقان و زحمتکشان است. دولت بازرگان باید بداند که کسی نمیتواند جلو حرکت تاریخ را بگیرد. ما کارگران با مبارزه چند ساله و ویژه یکسال گذشته با بازوی توانای خود کمر بزرگترین دیکتاتور تاریخ یعنی شاه خائن را شکستیم و دولت بازرگان هم اگر بخواهد مثل شاه خائن با ما کارگران رفتار کند باید بداند که کمر او را هم خواهیم شکست.

نمی‌داند چکار کند از بیکاری واقعه شده است. وقتی که از دردهای خودم صحبت می‌کنم. بمن حمله می‌کنند که چرا دم از مشکلات کارگری می‌زنی، شما نفاق‌افکن هستید و هزاران تهمت ناروای دیگر می‌زنند. من خوب میدانم آنهایی که فعلا خوششان را انقلابی جا زده‌اند و مارا ضد انقلاب می‌دانند چه کسانی هستند اینها اغلب همان کسانی هستند که در رادیو تلویزیون سخنرانی می‌کنند و بعد از گفتن چند جملات مثل علی‌بابای زمان شاه و بعد شروع می‌کنند و مسائل کارگری می‌گویند که هرکس شورا یا سندیکا تشکیل دهد ضد انقلاب است و یا می‌گویند مگر دولت

این نامه يك کارگر است که مانند صدها هزار کارگر دیگر بر اثر بیکاری گرفتار فقر و تنگدستی است. در حالیکه دولت میلیاردها ریال به سرمایه‌داران کمک می‌کند و قرارداد های خرید اسلحه از آمریکا را امضا می‌کند. کمترین توجهی به توده‌های میهن مانعی‌شود و هنوز تعدادی از کارگران در بیکاری بسر می‌برند. من بعنوان يك کارگر این نامه را برای شما می‌نویسم: نمی‌داند از کجا شروع کند مدت ده ماه است که از کار اخراج شده ام در طول این مدت رنجها و دردها کشیده‌ام درست است که آم باید در برابر هر سختی مبارزه کندولی



کارگران شرکت های حفاری:

خواستار مصادره کامل دکلها و تأسیسات حفاری شرکت های خارجی هستند

از خروج دکل های حفاری که با پول وعرق ما خریداری شده است جلوگیری کنیم

فرستارین کارها و در بدترین شرایط زندگی تنص عضو یافته اند و دهها نفر در این شرکتها جان خود را بر اثر سوانح از دست داده اند. بعضی از این شرکتها مانند اینترنشنل و ستیون و ساتانه تمام کارگران خود را اخراج کرده اند و حال که شرکت های حفاری ملی شده اند معلوم نیست چرا اینها را از این شرکتها اخراج کرده اند. آنچه مسلم است فردا هم نوبت سدکو و سد ایران است. باید روشن شود که مجریان این برنامه های ضد خلقی چه کسانی هستند چرا مانند رژیم سابق و غنیمت های توخالی به کارگران می‌دهند! چرا تبلیغات و عوامفریبی می‌کنند! چرا با شرکت های حفاری ملی شده اجازه می‌دهند کارگران خود را اخراج کنند و وسایل خود را از کشور خارج کنند! فروشنده غنم انقلابی زحمتکشان، کد کردن تداوم انقلابی ولی توجه به خواست های مشروح کارگران شرکت های حفاری علیه ضد انقلابی و فقط به نفع اشرافه گران و ایادی شاخته شده آنهاست.

بعد از انقلاب شوکت خلق های ایران، شرکت های امپریالیستی چون منافع خود را در خطر دیدند بعد از سالها غارت ثروت های ایران با شتاب طبق يك برنامه حساب شده با همکاری عناصر مرتجع داخلی که ماهیتشان برهه روشن است، در حال خارج کردن وسایل خود از کشور هستند که به احتمال زیاد تاکنون چند دکل حفاری با تمام تجهیزات از کشور خارج شده این شرکتها با کارگران محروم و زحمتکش مانند بردگان اجیر شده رفتار می‌کنند و حال هم با وجود ملی شدن صنایع وابسته و استعماری (البته در حرف) بهر شکلی که به نفع آنهاست، کارگران را اخراج و سرگردان می‌کنند و شرکت ملی و دولت به اصطلاح انقلابی هم هیچ مسئولیتی در قبال آنها که قبول نمی‌کند هیچ، تازه از صاحبان این صنایع امپریالیستی حمایت هم می‌کنند. وقت این کارگران برای احقاق حق خود اجتماع می‌کنند با سربازان پادشاهان متفرق می‌شوند حال این کارگران در این شرایط سخت که مملکت دچار رکود اقتصادی و تورم می‌باشد چه کار باید بکنند معلوم نیست. برهه واضح است که این شرکت های چاولگر چند برابر قیمت دکل های خود ثروت از این مملکت خارج کرده اند و با کمک رژیم سابق تا آنجا که توانسته اند خون زحمتکشان را میکشیدند و استثمارشان کرده اند. شاهد این گشتها کارگرانی هستند که در زیر طاقت

کارگران شرکت های حفاری

نامه يك کارگر کوره پزخانه:

برای سرکوب کارگران اعتصابی آنها را به جرم اخلاکگری بازداشت می‌کنند

کتم که روزی ۱۷ ساعت کار می‌کنیم به اندازه يك ساعت کار بهما پول نمی‌دهند که در جواب گفت نه ما تابع اسلام هستیم و هرگز اجازه نمی‌دهیم که حق شما را با پایمال کنند. در جواب گفتیم در کدام آیه قرآن آمده که کارگر باید روزی ۱۷ ساعت کار بکند این آیه را نشان من بدهید تا پای و اساس آن را از بین ببریم. بالاخره هیچ جوابی دریافت نکردیم و برای ما معلوم شد که حتی آنهایی که خود را يك فرد مسلمان و اهل می‌دانند از همان اربابان زالوفت هستند و آنها هم ما را استثمار می‌کنند. ما به کوره پزخانه برگشتیم که کارفرما گفت از طرف کمپته چند نفر می‌آیند که ببینند شما چه می‌خواهید؟ گفتند شما را اخلاکگر نامیده و می‌خواهند که مستگیرتان کنند. آری ما کارگران هم چند نفر هستیم که شها در خانه های مخفی می‌خواهیم. آری ما کارگران به خاطر اینکه خواستار مستزده خود هستیم و احصاب کردیم اخلاکگر شده و می‌خواهند مستگیرمان کنند همین علت ما فرار را در کورمه با قرار ترجیع می‌دهیم. ولی اگر روزی ما کارگران متحد شویم هیچ قدرتی نمیتواند ما را از محیط کار بیرون کند پس تنها راه رهایی ما کارگران از دست استثمارگران متحد شدن است. بیایید رفقا متحد شویم تا بتوانیم آزادانه زندگی کنیم زیرا جرم زمان نیست چنین نخواهد بود.

رفقای کارگر اگر ما کسی باطراف بنگریم می‌بینیم که چگونه عوامل وابسته به کارفرما و خود کارفرمایان ما را استثمار می‌کنند. یعنی روزی ۱۷ ساعت کار را بهما تحمیل کرده مارا از وسایل بهداشتی - سکن - پوشاک - خوراک و غیره محروم کردند با وجود این ناراحتی باز ما می‌خواهیم برای مدت بیشتری در دست آنها اسیر باشیم و برای آنها جان خود را از دست بدهیم. اما آنها می‌خواهند که یکپارچه مارا استثمار کنند. ۴ روز است که دست از کار کشیدیم و علت اینکار همین نکردن دستزدن ما از طرف کارفرما بود. و ما چندین بار به کارفرما گفته ایم که باید مستزده مارا تعیین کنند ولی کارفرما هنوز جواب قاطعی نداده است. به همین علت ما در تبریز به کمیته امام و اداره کار و امور اجتماعی مراجعه کردیم ولی آنها هم بهما جواب ندادند و گفتند که شما کارگران باید زیاد کار کنید و در پایان سال که میزان کار شما معلوم شد مستزده شما داده خواهد شد. ولی ما در جواب گفتیم که کارگران کوره پزخانه ما روزی ۱۷ ساعت کار می‌کنیم و باید حق ما تعیین شود. ما این همه کار می‌کنیم و زحمت می‌کنیم چرا باید در پایان سال مستزده ما را بدهند. او گفت اگر شما روزی ۲ و یا ۲۴ ساعت کار بکنید در حال شما زیاد اثر نمی‌کند و مؤثرواقع نیستند و اگر در روز يك ساعت هم بکنید به اندازه همان يك ساعت پول نمیگیرید. من

نامه يك کارگر کشفاف:

«میخواهند از مذهب بعنوان سرپوش بر روی استثمار و دزدیهای خود استفاده کنند»

اسلام به مومنان عزیز و به امید روزی که بتوانیم امپریالیسم و نوسکرازان آن را از سخته گیتی بهزباله‌دان تاریخ انداخته و خلق های متشکس را از چنگال استثمارگران زالوفت رها کنیم و زندگی نوینی را در شرایط مساوات و برابری برقرار نماییم.

من کارگر کشتیاف یکی از کارگاه های کشتیاف خیابان ظهیرالاسلام هستم. چند ماه پیش اتفاقی در اطراف کارگاهمان افتاد که تعریف آن برای کارگران و هم میهنان دیگر بیفایده نخواهد بود و نیز کوششی از استثمارهای سرمایه داری را که بر کارگران می‌رود نشان خواهد داد. يك روز که مشغول کار بودم متوجه شدم سدايي از بیرون کارگاه شدم. در بیرون کارگاه زنی که کارگر کارخانه توسکا بود فریاد می‌زد و کمک می‌خواست و فریاد می‌زد «باجش بخندید، بپاره را کشند» من و چند تن دیگر خود را به بیرون کارگاه توسکا رساندیم سخته خیلی ناراحت کننده ای را مشاهده کردیم صاحبان کارگاه حسین وطنی و روح الله تهرانی یکی از کارگرهای باافنده خود را به زیر بخت و لگد انداخته و می‌زدند. ما کارگر را از چنگ آنها بیرون آوردیم و با خود از کارگاه بیرون بردیم. از کارگر پرسیدیم که برای چه دعوا کرده ای او که سروسوزن ورم کرده بود. با چشمانی که اشک در آنها حلقه زده بود گفت: برای اینکه زور می‌گویند، من کارگر کارمزم یعنی به تعداد کاری که تولید می‌کنم مزد می‌گیرم. بعد از شش هفت ماه بیکاری تازه دو هفته است که مشغول کار شده ام امروز يك وقت مواد نغ آورده اند و بمن گفتند برو کارتن مواد را ببار بالا. من در جواب گفتم من کارگر کارمزم و اگر بروم کارم می‌ماند. آنها هم ناراحت شدند و ریختند سرم و کتک زدند. بعد از گفتن این حرفها سرش را پائین انداخت و رفت. تا اینکه چندی پیش او را در ایستگاه اتوبوس دیدم. پرسیدم چکار کردی گفت از کارگاه بیرون کردند. و گفت می‌خواستی شکایت کنی. گفت کی به کیه. هیچکس به داد آدم نمی‌رسد. رفتم شکایت کردم. گفتند برو دوما دیگر بیا. نمی‌توانم پارسی بازی کردی یا رشود دادی؟ بعد فهمیدم احتیاج به رشود دادن و پارسی بازی نیست. کیتما و دولت از آنها دفاع می‌کنند. خلاصه دوما بعد رفتن و بجای رسیدگی می‌خواستند محکوم بکنند و دوباره گفتند برو دوما دیگر بیا.

نامه ای از بندر دیلم:

گذشت پنج ماه از قیام، اکثر دهقانان از داشتن زمین محرومند

مراجعات مکرر به کمیته بنا گشته اند که هنوز موقع این کارها نیست. در دیلم نیز که شهری است با تقریباً دوازده تا سیزده هزار نفر جمعیت. مردم آن از اسفالت و آذوقه محرومند و آب آن نیز پنج روزی یکبار می‌آید. برای چند ساعت باز می‌شود. شاخودتان را جای آنها قرار دهید، بطور میتوان در چنین آب و هوای آنها در تابستان و با وجودی که شاید ۳۵ درصد مردم آن از این حق محرومند بطور میتوان سیرانقلابی داشت و دم برنیاورد، و بسیاری خواستهای دیگر...

سلام رفقا

سلام ما از فرستگاه دور پیچیدیم. این نامه را من از بندر دیلم. شهری گرم و سرزمین کار و خون می‌نویسم. نمی‌دانم چه بگویم و از کجا آغاز کنم ولی بهر حال خطاب را به شما دارم. با این که پنج ماه از انقلاب می‌گذرد و اکثر دهقانان و کشاورزان این منطقه از داشتن زمین محرومند و بقول یکی از دهقانان ۲۵ درصد زمینهای ما متعلق به کسانی است که در کارهای اداری و در شهرهای دیگر بسر می‌برند. ومانظوری که در رژیم سابق بنا اجازه کار در آنها را نمی‌دادند امروز نیز بسا می‌گویند که حق کار کردن در این زمینها را ندارید و بسا

جواب به نامه ها

آری تو بدستی تشخیص داده ای که راه رهایی چیست و فهمیده ای که برای آزادی و رهایی از بند ستم باید مبارزه کرد. بیاد بیاور رفقای شهیدی را که چگونگی در سخت ترین شرایط از منافع کارگران و زحمتکشان دفاع نمودند و در زیر شکنجه و میدانهای تیر و درگیری ها شهید شدند ولی دست از مبارزه نکشیدند. ما در این مبارزه باید پیگیر و خستگی ناپذیر و قاطع باشیم و از هیچ مشکلی نباید هراس داشته باشیم. و باید با کار پیگیر و مداوم توده های زحمتکش را به منافع واقعی شان آگاه کنیم و آنان را به تشکیل سازمان، آگاه و پیرو عظیمی بدل خواهیم گشت که تمامی دشمنان طبقاتی مان را شکست داده و راه ساختمان سوسیالیسم را به سمت توانای کارگران و زحمتکشان میهن مان هموار خواهیم ساخت. در این راه هرگز کارگران، زحمتکشان و همه ستم دیدگان جهان با ما متحد ما هستند برای اینکه بتوانیم وظایفمان را به بهترین نحوی انجام دهیم. در درجه اول باید آگاهی خود را از طریق مطالعه بالابریم و با شرکت فعال در مبارزه طبقاتی هم به پیشبرد در مبارزه یاری رسانیم و هم خصلت های انقلابی خود را تحکیم بخشیم. همواره باید بیاد داشته باشیم که بدون نابودی استثمار انسان از انسان آزادی زنان و برابری واقعی آنان با برادرشان میسر نخواهد شد. و مبارزه در راه نابودی استثمار انسان از انسان یعنی مبارزه در راه سوسیالیسم جدا از مبارزه برای تامین برابری کامل زنان و مردان در جامعه نیست. و تنها زمانی برابری زنان با مردان در همه زمینه های اقتصادی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تامین خواهد شد که استثمار نابود گردد.

رفیق نامه ای: برایمان نوشته و از ما خواسته که نامه ای را بنا به دلایلی چاپ نکنیم او نامه ای را با عبارت «به نام دستان پیوسته کارگر و پیشانی چروکیده دهقان که هر دو نشان رنج است» آغاز کرده از مشکلات و مسائل خود و خانواده اش سخن گفته است. البته همه مسائلی که او بازگو کرده تنها مسائل و مشکلات خاصی او نیست بلکه بیان زندگی واقعی میلیون ها دختر نظیر او در نظام طبقاتی کتولی است. دختران و زنان زحمتکش میهن مان لهتها مانند سایر برادرانش تحت ستم و استثمار هستند بلکه تحت ستم بیشتری به خاطر زن بودنشان نیز می‌باشند. زنان از حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برابر با مردان برخوردار نیستند. و همواره تحقیر می‌شوند. پدر رفیق که نامه نوشته است نمی‌گذارد او کتاب مطالعه کند و باو می‌گویند «چون تو نان خور من حتی باید عقاید من را داشته باشی» که نشانه تحقیر قری پدر او می‌باشد اگر قرار بود همه فرزندان مانند پدرانش فکر کنند آتوقف جامعه از پیشرفت و تکامل باز می‌ماند. البته رفیق نویسنده نامه بدستی این مطلب را دریافته است که نباید تنها بفکر خودش باشد و فقط خود را از مشکلات برهاند بلکه باید همه جامعه را قید مصالح و بدبختی ها و ستم و استثمار رها شود تا او نیز مشکلات حل گردد. و به این نتیجه رسیده است که: «میدانم شما نمی‌توانید بمن یکنفر کمک کنید تنها وقتی این ممکن می‌شود که ما به جامعه سوسیالیستی و پس از آن به جامعه کمونیستی برسیم و من دلم می‌خواهد در راه این هدف مبارزه کنم و آری می‌خواهم مبارزه کنم»

تشکیل اتحادیه سراسری شوراهای کارخانجات سازمان گسترش

سندوق بیمه بیکاری و تضمین کار برای همه کارگران از جمله وظایف اتحادیه سراسری شوراهای است. * سازمان گسترش صنایع که مرکز اجتماع زالوهای امپریالیستی بود، هنوز بقایای عوامل رژیم سابق فعالیت می‌کنند.

* سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران ۱۳۵ کارخانه و شرکت با ۲۵ هزار کارگر و کارمند را زیر پوشش دارد * بررسی قراردادهای سازمان گسترش با موسسات خارجی و داخلی، میزان سرمایه گذاریها، ایجاد سندوق مشترک اعصابات و

کلیه بدهیها و تعهدات مالی کارگران، دهقانان و کارمندان جزء و دیگر

نقد و بررسی گزارشی از اعتصاب...

واکنشی نشان نمیدهند. کارگران که با بی اعتنایی خنثولین رویرو شده‌اند در جلوی در ورودی حرکت به تظاهرات می‌پردازند و از ورود و خروج کامیونها جهت پارک‌گیری جلوگیری میکنند. نماینده استاندارد خوزستان و فرماندار خرمشهر ضمن تأیید اعتصابان به آنها قول رسیدگی می‌دهند. روحانیون محلی در ملاقات با کارگران به آنها در مورد نفوذ اجانب هشدار می‌دهند. دولت برای فزاینده کارگران مدیرعامل شرکت را عوض می‌کند. مدیر عامل جدید خود را مجاهد و انقلابی می‌زند. ولی کارگران او را افشا می‌کنند. مرتجعین محلی و عوامل پیمانکار دست به تبلیغات وسیعی بر علیه کارگران می‌زنند و علیرغم تأیید خواست کارگران از جانب مقامات مسئول راندن و تلویزیون به پخش اخبار دروغین و تحریک آمیز بر علیه کارگران دست می‌زنند. چهار و بازرگانان برای حفظ منافع خود کارگر روزمزد استخدام می‌کنند و توسط آنها پارک‌گیری و تخلیه کالا را شروع می‌کنند. در طول اعتصاب، کارکنان پیشکام خرمشهر، کارگران پرومویی آذادان و کارگران و کارمندان انبارهای عمومی خرمشهر ضمن تأیید اعتصاب کارگران اعلام هبستگی می‌کنند.

۲ - عدم وجود ارتباط پیوسته بین کارگران.

در سالی که ارتباط پیوسته کارگران بطور عمده ناشی از کار مشترک و اجتماعی آنها در مدتی طولانی است و نه ناشی از جمع شدن آنها در یک محل، که در اثر پراکندگی قسمتهای مختلف محل کار از بین می‌رود.

ب: در گزارش نوشته شده است که «کارگران... همگی بتوافق رسیدند که سندیکی کارکنان... بوجود آورند».

بطوریکه می‌دانیم سندیکی بطور عمده خواستهای صنفی کارگران را مورد توجه قرار می‌دهد. از طرفی هم کارکنان یک شرکت (کارگر و کارمند و غیره) خواستهای صنفی متفاوتی دارند و بنابراین هیچگاه نمی‌توانند سندیکی مشترک کارکنان داشته باشند و این سندیکی از منافع همه آنها دفاع کند.

ج: حال که اشکالات گزارش تاحدی برطرف شده لازم است بر نتیجه و دستاورد بزرگ کارگران درین تجربه تأکید کرد. این دستاورد محصول تجربه مستقیم خود کارگران و تبلیغ و ترویج کارگران پیشرو بوده است:

۱ - کارگران در برخورد با دولت ابتدا ماهیت آگرا درمی‌یابند و مطرح می‌کنند که: «سود حاصل از بنر باید به صندوق دولت وارد شود تا خرج بهبودی زندگی مردم شود نه اینکه صرف عیال و خوشگذرانی پیمانکار شود». اما در جریان اعتصاب با پراختنای مقامات دولتی رویرو می‌شوند یکی از کارگران در روز پانزدهم اعتصاب در همین رابطه می‌گوید: «۱۵ روز است اعتصاب کرده‌ایم، همه سرودهایشان درآمد و می‌گویند دولت ضرر می‌کند. تا حالا که ما کار می‌کردیم و دولت استفاده می‌کرد، چیزی به زندگی ما اضافه نداد ولی حالا که به تنگ آمده‌ایم و کار نمی‌کنیم می‌گویند به ضرر ملت است و مارا شد انقلاب می‌خوانند. ما می‌گوئیم پیمانکار نمی‌خواهیم به خودشان هم همین را می‌گویند ولی عمل نمی‌کنند».

در اواخر اعتصاب می‌گویند: تمام مقامات شرعی و قانونی استان مارا تأیید کرده‌اند ولی معلوم نیست کجای کار می‌کنند که تهران به ما جواب نمی‌دهد. باید ریشه‌اش را پیدا کرد و آنرا قطع کنیم». درین جست که آنها دیگر بدستی می‌دانند که تأیید مقامات دولتی و شرعی فقط حرف است نه عمل. وقتی که «صد» وزیر بازرگانی به فرماندار خرمشهر می‌گوید: «سازمان بنادر بهیچوجه نباید اینها را رسی کند، چون این برای دولت صمیعی است!!» و یا وقتی که علیرغم تأیید خواستهای بوسیله مقامات محلی، مرکز از پذیرش رسی کردن کارگران خودداری می‌کند، کارگران درمی‌یابند که این امتناع بدلیل وجود ۳۵۰ میلیون کارگر پیمانی در سراسر کشور است.

کارگران بدستی به ماهیت دولت پی برده، رابطه دولت و سرمایه‌داران را درمی‌یابند. آنها می‌فهمند که جیب سرمایه‌داران و دولت یکی است و اینکه درآمد بندر به جیب دولت یا پیمانکار برود در وضع آنها تغییری بوجود نمی‌آورد. آنها درمی‌یابند که باید ریشه مسئله را پیدا کرد و آنرا قطع کرد.

در جامعه ما که نظام سرمایه‌داری وابسته حاکم است، دولت، تنها حامی منافع استثمارگران و امپریالیزم است، رهایی کارگران و زحمتکشان تنها با نابودی سیستم سرمایه‌داری وابسته و برقراری جمهوری دمکراتیک خلقی برهبری طبقه کارگر امکانپذیر است.

در سالی که گزارش کردیم ما بر آن تأکید کردیم این عبارات نوشته شده است: «از آنجا که در شرکت ایران ترمینال تولید و توزیع و فروش بهیچوجه مطرح نیست... و از آنجا که ارتباط پیوسته بین کارگران این شرکت به خاطر ویژگی کار پراکنده آنها، نبود، شورا نمی‌توانست پاسنگوی مشکلات کارگران در سطح وسیع باشد».

درین عبارات دو دلیل برای رد شورا ذکر شده است که هر دو غلط است.

۱ - تولیدی نبودن شرکت؛ اولاً: شوراها بهیچوجه مخصوص واحد های تولیدی نیست. ثانیاً: می‌دانیم که مشکل عمده اکثر کارخانجات تولیدی (مثلاً کارخانه الیاف) اولاً: تهیه مواد اولیه کارخانه است (که اکثر هم از خارج وارد می‌شود) و ثانیاً:

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

توجه کرده‌اند.

نحوه برگزاری انتخابات مجلس «خبرگان» نیز گامی دیگر در جهت پایمال کردن حقوق دمکراتیک...

۲ - دومین جنبه شد دمکراتیک نحوه انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی استانی کردن حوزه‌های انتخاباتی بود. با این ترتیب استانی مثل تهران را با ۵ میلیون نفر جمعیت یک حوزه فرض کردند و برای آن ده نماینده قرار دادند و یا استان ۵۰۰ میلیون نفری آذربایجان را یک حوزه در نظر گرفتند و برای آن ۵ نماینده تعیین کردند. به این ترتیب حقوق مردم محلی و خلقی را به شدت پایمال کرده و امکان نمایندگی آنها را از بین بردند. فعلاً همین استان مازندران را در نظر بگیریم. این استان مطابق تقسیم‌بندی کشوری شامل منطقه خلقی ترکمن صحرا نیز می‌شود که از نظر خصوصیات ملی و قومی کاملاً با سایر ساکنین مازندران تفاوت دارند. پرواضح است که خلق ترکمن خواستار آن بود که نمایندگان خود را به مجلس بررسی قانون اساسی بفرستند و این حق مسلم آنهاست. اما با این ترتیبی که داده شد و خلق ۸۵۰ هزار نفری ترکمن جزو استان مازندران با ۲۵۰ میلیون جمعیت به حساب آمد عملاً چلو راه یافتن نمایندگان خلق ترکمن را به مجلس خبرگان گرفتند. در حالیکه اگر منطقه ترکمن صحرا یک حوزه محسوب می‌شد و یا انتخابات بر اساس شهرستانها بود، و خلق ترکمن بطور طبیعی می‌توانست در همین مجلس، با همین شرایط دونماینده خود را به مجلس بفرستد.

قابل تذکر است که این تقسیم کشوری در زمان رژیم پهلوی صورت گرفته و دقیقاً عدوی به حساب آمد عملاً چلو راه یافتن نمایندگان خلق ترکمن را به مجلس خبرگان گرفتند. در حالیکه اگر منطقه ترکمن صحرا یک حوزه محسوب می‌شد و یا انتخابات بر اساس شهرستانها بود، و خلق ترکمن بطور طبیعی می‌توانست در همین مجلس، با همین شرایط دونماینده خود را به مجلس بفرستد.

۱ - اولین جنبه شد دمکراتیک لایحه انتخابات مجلس باصلاح خبرگان تصدات نمایندگان این مجلس است. هیئت حاکمه تصدات باصلاح نمایندگان این مجلس را ۷۳ نفر تعیین کردند (البته در قانون تصدات آرا ۷۵ نفر نوشته ولی وقتی نمایندگان هر حوزه انتخابیه را تعیین کردند جمعا به ۷۳ نفر کاهش یافت) در حالیکه تصدات نمایندگان مجلس شورایی که قوانین عادی را تصویب می‌کند ۲۷۵ نفر است. و مجلس تنظیم و تصویب کننده قانون اساسی مادرتام قوانین است باید نمایندگان برابر بیشتر می‌داشت. علت آهم اینست که نمایندگان اقتدار وسیع‌تری از مردم در تعیین سرنوشت خود یعنی تنظیم قانون اساسی می‌نهان شرکت کنند. حتی در رژیم سابق هم مقرر شده بود که برای تدوین قانون اساسی یا تفصیل آن تصدات نمایندگان مجلس موسسان باید پانزده مجموع نمایندگان مجلس شورای و مجلس سنا باشد. ما قبلاً پیشنهاد کرده بودیم که باید تنظیم کننده قانون اساسی برود و دراینصورت تصدات نمایندگان پیش از ۷۵۰ نفر می‌شد. اما هیئت حاکمه تصدات نمایندگان مجلس تنظیم کننده قانون اساسی را به یکصد نفر کاهش داد. یعنی بازه هر نیم میلیون نفر یک نماینده!!

۳ - سومین اشکال لایحه انتخابات مقررات مربوط به تشکیل هیئت نظارت برانتخابات و نحوه عملکرد آن بود. این مقررات طوری قرار گرفت. حال بیینیم چنین صف بندی نیروهای خلق در مقابل شد خلق چه هدفایی داشته است: رفیق بیژن جزئی در پایان نامه تحصیلی‌اش بنام «نیروها و هدفهای انقلاب مشروطیت» که در سال ۱۳۳۱ نوشته این خواستها و هدفها را چنین جمع‌بندی کرده است: «هدفهای سیاسی انقلاب مشروطیت» این هدفها «عبارت بودند از: استقلال ملی یعنی سامنت از دخالت بیگانگان در امر حکومت ایران، ایجاد حکومت دمکراتیک بوسیله ایجاد مجلس شورای ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و مسندود ساختن اختیارات شاه. تحقق آزادیهای فردی و از جمله آزادی بیان و قلم و ایجاد امنیت فردی، قانونی کردن ادارات مخصوص عدلیه و رفع شکنجه و عذاب توسط زندانیان» (صفحه ۳۱۵)

«هدفهای اقتصادی انقلاب ایران» عبارت بودند از: ۱- قطع نفوذ اقتصادی و اداری بیگانگان ۲- ایجاد تهیلات تجاری بنفع بازرگانان داخلی ۳- ایجاد منابع جدید ۴- محدودیت اقتصادی برای فئودالها و اشراف» (ص ۳۲۲)

هدف اجتماعی اساسی انقلاب دگرگونی جامعه کهن بود که با وجود اقدامات اصلاحی در طی یک قرن قبل از انقلاب کم و بیش بهمان سان باقی‌مانده بود» (ص ۳۳۵)

اما آیا انقلاب دمکراتیک مشروطیت به هدفهای خود رسید؟ رفیق جزئی در همان رساله‌چنین می‌نویسد: «انقلاب ایران به‌هدفهای اساسی خود نرسید. نتیجه آنکه انقلاب مشروطیت موفق به‌تغییرات

قرار گرفت. حال بیینیم چنین صف بندی نیروهای خلق در مقابل شد خلق چه هدفایی داشته است: رفیق بیژن جزئی در پایان نامه تحصیلی‌اش بنام «نیروها و هدفهای انقلاب مشروطیت» که در سال ۱۳۳۱ نوشته این خواستها و هدفها را چنین جمع‌بندی کرده است: «هدفهای سیاسی انقلاب مشروطیت» این هدفها «عبارت بودند از: استقلال ملی یعنی سامنت از دخالت بیگانگان در امر حکومت ایران، ایجاد حکومت دمکراتیک بوسیله ایجاد مجلس شورای ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و مسندود ساختن اختیارات شاه. تحقق آزادیهای فردی و از جمله آزادی بیان و قلم و ایجاد امنیت فردی، قانونی کردن ادارات مخصوص عدلیه و رفع شکنجه و عذاب توسط زندانیان» (صفحه ۳۱۵)

«هدفهای اقتصادی انقلاب ایران» عبارت بودند از: ۱- قطع نفوذ اقتصادی و اداری بیگانگان ۲- ایجاد تهیلات تجاری بنفع بازرگانان داخلی ۳- ایجاد منابع جدید ۴- محدودیت اقتصادی برای فئودالها و اشراف» (ص ۳۲۲)

هدف اجتماعی اساسی انقلاب دگرگونی جامعه کهن بود که با وجود اقدامات اصلاحی در طی یک قرن قبل از انقلاب کم و بیش بهمان سان باقی‌مانده بود» (ص ۳۳۵)

اما آیا انقلاب دمکراتیک مشروطیت به هدفهای خود رسید؟ رفیق جزئی در همان رساله‌چنین می‌نویسد: «انقلاب ایران به‌هدفهای اساسی خود نرسید. نتیجه آنکه انقلاب مشروطیت موفق به‌تغییرات

قرار گرفت. حال بیینیم چنین صف بندی نیروهای خلق در مقابل شد خلق چه هدفایی داشته است: رفیق بیژن جزئی در پایان نامه تحصیلی‌اش بنام «نیروها و هدفهای انقلاب مشروطیت» که در سال ۱۳۳۱ نوشته این خواستها و هدفها را چنین جمع‌بندی کرده است: «هدفهای سیاسی انقلاب مشروطیت» این هدفها «عبارت بودند از: استقلال ملی یعنی سامنت از دخالت بیگانگان در امر حکومت ایران، ایجاد حکومت دمکراتیک بوسیله ایجاد مجلس شورای ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و مسندود ساختن اختیارات شاه. تحقق آزادیهای فردی و از جمله آزادی بیان و قلم و ایجاد امنیت فردی، قانونی کردن ادارات مخصوص عدلیه و رفع شکنجه و عذاب توسط زندانیان» (صفحه ۳۱۵)

«هدفهای اقتصادی انقلاب ایران» عبارت بودند از: ۱- قطع نفوذ اقتصادی و اداری بیگانگان ۲- ایجاد تهیلات تجاری بنفع بازرگانان داخلی ۳- ایجاد منابع جدید ۴- محدودیت اقتصادی برای فئودالها و اشراف» (ص ۳۲۲)

هدف اجتماعی اساسی انقلاب دگرگونی جامعه کهن بود که با وجود اقدامات اصلاحی در طی یک قرن قبل از انقلاب کم و بیش بهمان سان باقی‌مانده بود» (ص ۳۳۵)

اما آیا انقلاب دمکراتیک مشروطیت به هدفهای خود رسید؟ رفیق جزئی در همان رساله‌چنین می‌نویسد: «انقلاب ایران به‌هدفهای اساسی خود نرسید. نتیجه آنکه انقلاب مشروطیت موفق به‌تغییرات

قرار گرفت. حال بیینیم چنین صف بندی نیروهای خلق در مقابل شد خلق چه هدفایی داشته است: رفیق بیژن جزئی در پایان نامه تحصیلی‌اش بنام «نیروها و هدفهای انقلاب مشروطیت» که در سال ۱۳۳۱ نوشته این خواستها و هدفها را چنین جمع‌بندی کرده است: «هدفهای سیاسی انقلاب مشروطیت» این هدفها «عبارت بودند از: استقلال ملی یعنی سامنت از دخالت بیگانگان در امر حکومت ایران، ایجاد حکومت دمکراتیک بوسیله ایجاد مجلس شورای ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و مسندود ساختن اختیارات شاه. تحقق آزادیهای فردی و از جمله آزادی بیان و قلم و ایجاد امنیت فردی، قانونی کردن ادارات مخصوص عدلیه و رفع شکنجه و عذاب توسط زندانیان» (صفحه ۳۱۵)

«هدفهای اقتصادی انقلاب ایران» عبارت بودند از: ۱- قطع نفوذ اقتصادی و اداری بیگانگان ۲- ایجاد تهیلات تجاری بنفع بازرگانان داخلی ۳- ایجاد منابع جدید ۴- محدودیت اقتصادی برای فئودالها و اشراف» (ص ۳۲۲)

هدف اجتماعی اساسی انقلاب دگرگونی جامعه کهن بود که با وجود اقدامات اصلاحی در طی یک قرن قبل از انقلاب کم و بیش بهمان سان باقی‌مانده بود» (ص ۳۳۵)

اما آیا انقلاب دمکراتیک مشروطیت به هدفهای خود رسید؟ رفیق جزئی در همان رساله‌چنین می‌نویسد: «انقلاب ایران به‌هدفهای اساسی خود نرسید. نتیجه آنکه انقلاب مشروطیت موفق به‌تغییرات

قرار گرفت. حال بیینیم چنین صف بندی نیروهای خلق در مقابل شد خلق چه هدفایی داشته است: رفیق بیژن جزئی در پایان نامه تحصیلی‌اش بنام «نیروها و هدفهای انقلاب مشروطیت» که در سال ۱۳۳۱ نوشته این خواستها و هدفها را چنین جمع‌بندی کرده است: «هدفهای سیاسی انقلاب مشروطیت» این هدفها «عبارت بودند از: استقلال ملی یعنی سامنت از دخالت بیگانگان در امر حکومت ایران، ایجاد حکومت دمکراتیک بوسیله ایجاد مجلس شورای ملی و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و مسندود ساختن اختیارات شاه. تحقق آزادیهای فردی و از جمله آزادی بیان و قلم و ایجاد امنیت فردی، قانونی کردن ادارات مخصوص عدلیه و رفع شکنجه و عذاب توسط زندانیان» (صفحه ۳۱۵)

«هدفهای اقتصادی انقلاب ایران» عبارت بودند از: ۱- قطع نفوذ اقتصادی و اداری بیگانگان ۲- ایجاد تهیلات تجاری بنفع بازرگانان داخلی ۳- ایجاد منابع جدید ۴- محدودیت اقتصادی برای فئودالها و اشراف» (ص ۳۲۲)

هدف اجتماعی اساسی انقلاب دگرگونی جامعه کهن بود که با وجود اقدامات اصلاحی در طی یک قرن قبل از انقلاب کم و بیش بهمان سان باقی‌مانده بود» (ص ۳۳۵)

تنظیم شد که عملاً نمایندگان کارگران در زحمتکشان و نیروهای انقلابی جامعه در آن شرکت داده نشدند. نقش مقامات دولتی در انجمن‌ها مانند گذشته بسیار زیاد بود و حتی در موارد بسیاری این نقش افزون‌تر شده بود. همه اختیارات در دست هیئت اجرایی بود که عبارت بودند از فرماندار، رئیس عالیترین دادگاه استان، مدیر کل آموزش و پرورش، مدیر کل هیئت اجرایی و پنج نفر از روحانیون محل. باین ترتیب روشن بود که روال انتخابات به‌دکاندیدهای حزب حاکم سوق داده خواهد شد:

۴ - چهارمین مورد نقض آزادی مردم در انتخابات نحوه رای‌گیری بود. به‌جستب ماده ۲۳ قانون انتخابات مجلس خبرگان، نوشتن رای باید در محل حوزه صورت می‌گرفت. با توجه اینکه اکثریت مردم ایران بی‌سواد و نمیتوانند رای خود را خود بنویسند و با توجه بهجو حاکم برحوزه‌چنین رای‌گیری که در اختیار دولت و حزب بود حاکم بود و گروه های فشار و انصارطلبان در آنجا همه‌کاره بودند. چگونه یک فرد بی‌سواد می‌توانست رای مورد نظر خود را نوشته و به‌صندوق اندازد.

وقتی مردم می‌دیدند هر روزه گروه‌های فشار در همجا اعلامیه‌های مرفعی‌کاندیدهای غیر وابسته بهحکومت و حزب حاکم را پاره کرده و توزیع کنندگان را به‌کشتن‌های‌پرند می‌دادند چگونه می‌توانستند از همین عوامل اختناق و فشار بخواهند نام کاندیدهای‌مورد علاقه خود را بنویسند. باین ترتیب ملاحظه می‌شود که چگونه قدرت حاکم با این شیوه غیر دمکراتیک اولا منفی بودن رای را از بین برده ثانیاً عملاً مردم را از دادن رای به‌کاندیدهای واقعی خود باز داشت.

موارد فوق نشان می‌دهد که هیئت حاکمه به‌روسیه و سوز و کلکی متوسل شد تا قانون اساسی دلخواه خود را که منافع سرمایه‌داران را تثبیت کرد و کوچکترین حقی برای کارگران، دهقانان و زحمتکشان و خلقهای ایران قائل نیست سرهم‌بندی کند. از چنین مجلس باصلاح خبرگان، معلوم است که چگونه قانونی بیرون خواهد آمد. بقول مرفوف بیه دیگ بیه چخند.

۱۴ مرداد یاد آور انقلاب مشروطه بقیه از صفحه ۱

سوری و رفیق سلمی اجتماعی گردید. حکومت مستقل ملی درایران بوجودنیامد. استثمارچیان همچنان این کشور را مورد بهره‌برداری

سیاست دولت در میوان

بقیه از صفحه ۱

درست پاسداران باشد از چه چیز ناشی می-شود؟ به نظر ما بی-اعتدالی و بی-اطمینانی مردم است که این مسئله را پیش می-کشد. چه کسانی از مردم میترسند؟ آیا دولتی که در جهت منافع مردم گام بردارد از مردم میترسد؟ مردم میروان حاضر به زندگی مشتتبار در زیر چادر بدون دکتر و دارو هستند و حاضر نیستند زیر سلطه پاسداران سرکوبگر و ارتش دست نخورده و بازسازی شده بروند. در این مدت دولت هیچگونه کمکی به آنها ننموده است. هیئت احراری دولت آیتالله لاهوتی، سرهنگشرفی معاون فرمانده ارتش، مقدسی از طرف وزارت کشور پاشنه ۳ نفر از فرماندهان پاسداران احراری، بهرمیوان و فرمانده پادگان سرگرد شیبانی در نشتی که در ۲۵ مرداد ۵۸ در میوان با شورای موقت شهر داشتند نتوانستند به توافقی برسند.

هیئت احراری هنوز حاضر به قبول پیشنهاد منطقی و اصولی شورای موقت شهر نشده است. شورای موقت شهر پیشنهاد می-نماید:

۱- در حله اول خروج پاسداران از پادگان و مراجعت به محل استقرار قبلی خود.

۲- تشکیل شورای شهر

۳- تشکیل شهربانی زیر نظر شورای شهر و تشکیل دادگاه انقلابی و آزاد نمودن اسرا

تکرار خواستهای قبلی ارتش و پاسداران توسط هیئت احراری نیز مورد قبول شورای موقت انقلابی میروان قرار نگرفت. مداره پیشنهادی بدین شرح است:

۱- ارتش انتظامات شهر را بدست گرفته و پاسداران در پادگان بمانند.

۲- یا اینکه نصف از مردم. ولیف از پاسداران این کار را انجام دهد. ولی همچنانکه در بالا ذکر شد هیچگونه توافقی صورت نگرفت.

۳- مردم حاضر به قبول زور و تحمل ست از جانب ارتش و پاسداران نیستند و از طرف دیگر آنها حاضر به قبول حاکمیت مردم بر سرکوبش خویش نمی-باشند. آنچه مسلم است دولت راه حل واقعی ارائه نخواهد داد ولی

بهر حال از هر امکانی برای فریب مردم استفاده خواهد کرد. هتیار مردم میروان و نوایندگان آنها که در شورای موقت شهر متبلور است می-تواند با ایستادگی در مقابل زور و فشار و انشاء فریکارهای طرف مذاکره حداقل امتیاز را به نفع مردم که همانا کنترل امور شهر بدست مردم باشد تامین نماید. از سوی دیگر سیاست دولت در کردستان در مسند گسترش قدرت نظامی و استقرار پادگان درهر شهر و شهرکی است. مشخصا پادگاههای مست

نخورده آرمیوری را با اعزام گردانهای تانک و پشتیبانی و... تقویت می-نماید. پادگاههای شهرهای مرکزی ایران را تخلیه کرده و کردستان را به پادگانی بزرگ تبدیل کرده-اند. متر نظامیان را با حلالی از قبیل گردن-دانه و تیریزه طلینده، «کردستان کمونیست است» و نیروهای شیطان حاکم شده-اند، پر کرده-اند.

و بدین ترتیب نظامیانی دروید و وحشی را بجان مردم می-اندازند. چنان تبلیغات کثیف و ضد خلق براه انداخته-اند که پاسداران می-پندارند هرکس می-خواهد شهید شود و بهشت نسبی گردد باید به کردستان برود!

دولت در مدت خیلی کمتر از آن مدتی که نیروهای مترقی فکر می-کردند ماهیت خود را آشکار گردانید. و نشان داد که حامی چه کسانی و حافظ منافع چه طبقه ای است ولی دولت يك مسئله را باید در نظر بگیرد، تا

مسئله آوارگان و رسیدگی به وضع اسفناک آنها بعمل نیآورده بلکه مرتجعین وابسته به دولت و مقاماتی که می-خواهند حتی به قیمت کشتار مردم، نظرات ضد انقلابی خود را پیش ببرد به فرمانده پادگان و باصلاح سران پاسداژان که معلوم نیست اینان چه موقع و از طرف کدام نیرو پاسدار شده-اند فشار می-آورند که در بدست گرفتن کنترل شهر اصرار نمایند پاسداران را تحریک کرده و برای رفتن به شهر تشویق می-نمایند. ولی اکثر سربازان و درجه داران اعم از کرد و فارس تمایل رو در روئی با مردم را ندارند و حتی بر رفتن پاسداران بداخل شهر نیز آشکارا اعتراض کرده-اند.

یکبار کلیبی معاون استاندار کردستان به میروان رفته بود تا زمینه مذاکره برای بازش بین شورای موقت انقلاب میروان و ارتش و پاسداران مستقر در پادگان میروان را فراهم سازد که از طرف پاسداران مورد اعتراض قرار گرفته و او را بیرون می-کنند. چون

پارماری از نظراتش برخلاف نظر آنها بود استاندار انتصابی جدید کردستان، بیگانه با تمامی واقعیتهای تلخ وضعیت میروان در اولین

مواجهه روزنامه ای خود گفت: «داگر کوچ» دست جمعی میروانیها سمت داشته باشند احتمالاً قدرتی در کار است که اینگونه آنها را به تحریک واداشته است.

آقای استاندار، وقتی مردم شهری در معرض یورش کانی قرار می-گیرند که در مقابل پول همه چیز را فدا می-کنند و در هر نقطه از میهنان درگیری پیش آید یا کمال میل رودر روی خلق می-سازد، علاوه بر اینها آنان کانی باشند که

خود حیات دولت بوده و بوسیله ارتش سر-کوبگر تقویت شوند. این خود بهترین حاصل مهر که برای کوچ مردم فشار می-آید. بنظر ما زود نتیجه گیری کردن استاندار درست در این رابطه شکل می-گیرد که ایشان را از قبل با پیشداوری استانداردی کردستان انتصابی کرده-اند. استاندار جدید بهر اساس شناخت درستی از آنچه که می-گذرد به تفاوت پرداخته است.

بلکه از قبل پذیرفته است نیروهای مرموز و مردم فریب (بزم ایشان) در منطقه توطئه می-کنند و آقای استاندار می-خواهند با شمشیر چوبین به جنگ دشمن خیالی بنشاند. و در شرایطی که کردستان آهسته آهسته تلخ و چاکندازی است انتصاب چنین شخص که به هیچ نحو اطلاعی از مسائل ندارد، نتواندند اوج توطئه ای است که مقامات برای کردستان تدارک دیده-اند و به درستی بیانگر عدم توجه دولت به خواستها و مسائل خلق کرد است.

دولت می-پندارد هرکس کرد باشد می-تواند در کردستان بعنوان آلت دست و مجری برنامه های دولتی باشد. باید بدولت گفت: فشار خلق کرد، فشار شیعه و سنی ویا فشار کرد و غیر کرد نیست، آنچه که مردم ما را رنج می-دهد استثمار و غارت بیشرمانه مسترین آن

حاست وستم باید ملن که اجازه رشد آزادانه را به زحمتکشان کرد نداده است.

مردم میروان اکنون چند روز است بز اثر فشار ارتش و پاسداران، خانه و زندگی خود را رها کرده در کوهها و دهات اطراف آواره شده-اند اما حاضر نیستند زیر بار زور بروند. آنها می-گویند ما امنیت و حفاظت شهر را خود عهده دار می-شویم ولی ارتش و پاسداران اصرار دارند که باید خودشان این امر را بعهده بگیرند. آیا این همه اصرار برای اینکه کنترل



خواستهای اهالی سیف آباد، الله آباد و علی آباد

- ۸- تأسیس کودستان برای روستاهای مورد بحث.
- ۹- آسفالت راه ایرانشهر - چابهار از طریق لشار.
- ۱۰- توزیع خوار و بار و موادخوراکی بقتت ارزان از طریق تشکیل فروشگاههای تعاونی و یا فروشندگیهای سیار.
- ۱۱- تمقیب و مجازات سربسردگان رژیم پهلوی و تصفیه ادارات و سازمانهای دولتی از افراد فاسد و ضد مردم.
- ۱۲- استفاده اصولی از ماشین آلات پایگاه کارک در جهت اجرای طرحهای عمرانی در روستاها با کمک مستقیم مردم.
- در ضمن ما خواهان خودمختاری بلوچستان در چهارچوب ایرانی آزاد و مستقل می-باشیم و تجزیه طلبی را بهر نحو و بهر شکل از طرف هرکس مطرح شود شدیداً محکوم می-کنیم.
- دشورای ده سیف آباد، الله آباد، علی آباد از توابع ایرانشهر ۵۸۴۲۴

در گرمه ای تاریخی ۵۸۴۲۴ مردم سیف آباد، الله آباد و علی آباد براساس انتخابات آزاد آشنای شورای ده را انتخاب کرده و ضمن آن خواستهای اساسی خود را توجه به شرایط موجود مطرح کردند تا از طریق شورا نسبت بانجام آنها از سوی مقامات مربوطه اقدام مقتضی بعمل آید. اهم خواستها بشرح زیر است:

- ۱- لوله کشی آب آشامیدنی سیف آباد، الله آباد و علی آباد.
- ۲- تأمین برق این روستاها.
- ۳- لایروبی قنوات جهت احیای کشاورزی.
- ۴- پرداخت وامهای طولی مدت کشاورزی بدون بهره و لغو بهرهای گذشته مردم و گرفتن دامها از خوانین و سربز آنها - مردم.
- ۵- احداث سیل بند برای آبادیهای الله آباد و علی آباد.
- ۶- تأسیس درمانگاه در روستای سیف آباد جهت انیام خدمات درمانی برای مردم.
- ۷- احداث راه شوسه برای آبادی سیف

چرا نظامیان آزادیخواه کرمانشاه

دستگیر و زندانی شدند

پهلوی نیز یکی از آن دستگاهانی است که ستم طبقاتی بین اقشار تشکیل دهنده آن پدیدار میکند. حاکمیت بی-چون و چرای «درجه» که در نتیجه خوش-خدمتی و مزدوری به فرماندهان رده بالای آن اعطا شده و میشود عاملی بوده و اکنون نیز میباشد که موجب پیدایش انضباطی خشک و اطاعتی کورکورانه شده و یکی از عوامل موثر در نابودی استعدادها و بالتجربه تبدیل ارتش به ارتشی ضد خلقی محسوب میشود. بعد از قیام، انتشار پائینی و تحت ستم این سازمان یعنی سربازان و درجه داران و افسران جزء باید دلخوش بودند که دیگر از ستم امراء و سرهنگان و تراجبات بالای ارتش خلاص شده و ارتش ملی جمهوری اسلامی ایران به ارتشی مردمی و ملی تبدیل خواهد شد. اما از همان آغاز بنا به سیاست طبقاتی دولت. فریاد سربازان و درجه داران و افسران جزء موثر واقع نشد و جرح ارتش جمهوری اسلامی روی همان محور ارتش شاهنشاهی شروع به گردش نمود. دیری نگذشت که همان فرماندهان مزدور و جانثاران شاهنشاه و همان عاملان کشتار مردم بر منتهای فرماندهی تکیه زدند و جاسوسان ضد اطلاعات با همکاری متعصبین کوردل و منجی نهای داخل پادگانها شروع به تهیه گزارش و شکار پرسنل مترقی نمودند و هر حرکت آزادیخواهانه ای یا هر چه بد انقلاب و برع کثیفین تفکهای پاسداران و لومینهای فاشیت تهدید به سرکوبی و خفان گردید.

خبرهای رسیده از پادگان شماره ۲ لشکر ۸۱ زرمی حاکی است که سرهنگ زهرمود رئیس ستاد لشکر خرم آباد و همکار صمیمی سرتیپ آذری مروف پس از آنکه توسط پرسنل لشکر خرم آباد پلست چنانچه ای که در طول انقلاب مرتکب شده طرد میگردد به کرمانشاه منتقل و به فرماندهی پادگان فوق منصوب میگردد. نامبرده پس از این انتصاب ناچار با تهدید و ارباب شروع به برقراری همان شوابلی می-نماید که در طول بیست و چند سال خدمت خیانتبار یادگرفته و در تاریخ ۵۸۵۸۱ در جواب اعتراض مستقیم پرسنل در سر می-کنا با کلماتی همچون مادر... ها، بچه... ها و جنای و... به کلیه پرسنل مستقر

در میدان اهانت می-نماید. پرسنل با آگاهی از گذشته این مزدور طی قطعه ای خواستار برکناری نامبرده میشوند و اظهار می-نمایند که دما خواستار فرماندهانی چون خسرو روزبه شهید هستیم که منتخب خودمان باشد و سرهنگ زهرمود را از پادگان بیرون نموده و بدنبال آن سرگرد تائم فاسد را کشته و خاص و عام است از پادگان طرد می-نماید. جاسوسان خود فروخته مراتب را به روحانیت شهر که اینک خود را وارث تمام نهادهای بی-مانده از رژیم پهلوی می-دانند اطلاع می-دهند و بدنبال آن حکم بازداشت دو نفر افسر و حدود ۱۱ نفر از درجه داران پاشرف پادگان بعنوان مسببین واقعه از شورای انقلاب صادر و فاشانه و سرست آنها را دستگیر و به زندان دیزل آباد کرمانشاه تحویل می-دهند.

ما پرسنل وطن پرست و آزادیخواه ارتش از مسئولین امور شوال می-کنیم که مگر ارتش ناپستی خود سازمانی با مقررات و آیین نامه های انقلابی مربوط به خود باشد؟ و مگر رسیدگی به هرگونه بی-انضباطی و تخلف در مدت خدمت و در محدوده پادگانها در صلاحیت دادگاههای ویژه صلاحیتدار نیست که افراد دستگیر شده را تحویل زندان دیزل آباد داده و بجای فرمانده صلاحیتدار، رئیس دادگاه انقلاب حکم دستگیری آنها را صادر کرده-است؟ و نیز شوال می-نمایم که مگر طرد عناصر شناخته شده و معلوم الحالی چون سرهنگ زهرمود از محیط پادگان و خواستار فرماندهی با خصوصیات قهرمان چاوید

شهید خسرو روزبه شدن علی شده انقلابی و برخلاف ایده آلهای ملی و انسانی است؟ ما ضمن محکوم نمودن کلیه کسانی که سعی در محکوس جلوه دادن خواستهای انقلابی و بر حق پرسنل یا شرف ارتش دارند از کلیه برادران سرباز، درجه دار و افسر خود می-خواهیم تا به هر وسیله ممکن صدای اعتراض آمیز خود را نسبت به این مسئله بلندتر نموده و برای رجائی حقتاران خود از بند زندانهای غیر قانونی از هیچ کوششی دریغ

نمایند.

نظامیان آزادیخواه ارتش ملر، جمهوری اسلامی ۱۳۵۸۵۲۴

زمانیکه حقوق کارگران و زحمتکشان تأمین نشود، تا زمانیکه حقوق خلقها مبنی بر تعیین حق سرنوشت و بدست آوردن خود مختاری تأمین نشود خلقها از مبارزه باز نخواهند ایستاد هرگونه خشونت و سرکوب خلقها برای اعمال سلطه و ادامه استثمارکشی عمل ضدبشری را از جانب تودما نشان خواهد داد و این چنین تاریخ است که سرمایه داران گورکن خود را پرورش میدهند.

واما کارگران و زحمتکشان پیروز مردم زحمتکش میروان باید هشیار باشند در انتخابات شورای شهر انتخابات نیروهای مترقی را در مورد شورای شهر ستنج تکرار نکنند، سی کنند کاندیداهای مردمی را هر چه بیشتر برای مردم معرفی نمایند و تلاش نمایند از نفوذ عناصر شناخته شده و ضد مردمی در درون شورا جلوگیری نمایند و در نهایت انتخابات شورا را در محیطی کاملاً دمکراتیک برگزار نمایند و از قلب عناصر فرصت طلب مانع شود تا شورای را بوجود آورد که در جهت خواستها و نیازهای مردم حرکت نماید نه در جهت سیاستهای دولت، در حقیقت شورا باید ارگان اجرایی مردم باشد نه ژاندهای از ادارات دولتی که وظیفه اش سرکوب نهادن با احتیاجات و نیازهای مردم باشد و اقدامات شد مردمی دولت را بوجهی کند.

شورا باید متمسک کننده نظرات مردم و تابع نظرات آنها باشد نه اینکه خود به تنهایی بهر چه تصمیم گیری تبدیل شود و تصمیمهای اتخاذ شده نیز بر ضد مردم و نیروهای مترقی باشد. اولین تجربه شورای شهر در ایران، شورای شهر ستنج بود، اگر چنانکه شورای انقلابی و مترقی بود می-توانست الگوی برای تمامی شهرهای ایران حساب آید ولی عملکرد آن طی مدت چند ماه خلل آفرنا ثابت نمود. باشد که شورای شهر میروان، شورای انقلابی و با شرکت تمامی نیروهای مترقی و پیشرو مردمی بوجود آید تا جوابگوی حداقل نیازهای مردم باشد.

خلقهای مبارز ایران اکنون در این مرحله از تاریخ مبارزاتمان

امپریالیسم و ارتجاع سی در به نابودی کشانیدن بقایای ستم آوهرهای انقلاب پرشکوشتان دارند. آنها از کوچکترین امکانات برای تحکیم مواضع ست شده خود استفاده می-کنند.

از کانهالهای تیرک و تفرقه گرفته تا استفاده از نیروهای سرکوبگر برای خواباندن جور انقلابی تودما استفاده می-نمایند آنها با

استفاده از ناآگاهی، برخی از نیروهای مردم را رودر روی هم قرار میدهند، با پیش کشیدن مسائل جزئی و اختلافات درون خلقی مبارزات مردم را با تصرف می-کشند و مسیر اصلی مبارزه را که همانا باید بر طبقه امپریالیسم و وابستگی ادامه یابد منحرف می-نمایند.

اما وظیفه تمامی نیروهای انقلابی باید بشهرتیه تر کرده صفوف خود در مقابل بهر چه مرتجعان و وابستگان امپریالیسم در جهت انشاء ماهیت توطئه گران و استثمارگران وسی در نابودی تمامی نهادهای اقتصادی واجتماعی نظام وابسته و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق

بر مبنی طبقه کارگر باشد.

صفوف متحد کارگران و زحمتکشان شهر و روستا است که امپریالیسم را در تمامی شگرها نابود خواهد کرد.

نابود باد توطئه ها و سیاستهای ارتجاع و امپریالیسم

فترده تر باد صفوف خلقهای تحت ستم نابود باد امپریالیسم و ارتجاع داخلی

هجوم عاملان ارتجاع به اجتماع مردم شبستر

موجود در آن پتاراج میروود. در این خانه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در شبستر با انتشار اعلامیه ای این عمل را توطئه سرمایه داران سرسیره و عمال مزدورشان دانستند.

در این اعلامیه حمله مرتجعان به تنه کاتپروشی شهر بنام «مسجر شبستری» و نیز غارت خانه یکی از هواداران و تهدید نیروهای مترقی از جانب کمیته شهر محکوم شده است.

شلاق بخاطر پخش اعلامیه

اسفهان - روز ۲۶ تیرماه دو دانش آموز اسفهان، هنگام پخش اعلامیه ای که آتش زدن مزارع و کتاها و روزنامه های نیروهای مترقی را محکوم می-کرد، مورد حمله سرشیشان

شبستر - روز چهارشنبه ۵۸۴۲۴۵ هنگام نمایش فیلم «دانشکده های من» (اثر ماکسیم گورکی) گروهی اغلالگر مرتجع به سالن نمایش فیلم هجوم می-آورد و با حمایت تعدادی از مامورین کمیته به کشتن سنگی ها و شرب و جرح تماشاچیان می-پردانند. سپس مامورین مسلح چند نفر از هواداران را که از قبل شناسائی کرده بودند بازداشتی کنند. طی این مدت دفتر هواداران سازمان نیز مورد هجوم قرار گرفته و مقداری پول و اعلامیه

رفقا و هموطنان مبارز پیشنهادات و نظریات انتقادی خود را به آدرس زیر ارسال نمایند. تهران - بلوار کشاورز، خیابان دمکرا (میکند سابق) ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران. تلفن ۵۵۹۹۹۹ (ساعات مراجعه و تلفن بستان از ساعت ۲ الی ۸ عصر) آدرس پانکی - تهران، پانک ملسی ایران شعبه دانشگاه، شماره حساب ۳۳۵۸۸ بنام عباس فنیلت کلام. از کلیه هموطنان مبارز خواهشمندیم پیش پانکی کمکهای مالی خود را که به پانک واریز شده است مستقیماً برای ستاد ارسال نمایند. شماره حساب اموال - ۲۹۹۲ - پانک تهران شعبه مرکز محمد ابراهیم اکبری

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند

مهندس بازرگان ابقاء قراردادهای...

نظامی، سیاسی و فرهنگی با امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم آمریکا منعقد کرده است، تنها در خلعت منافع امپریالیسم است.

کدام قرارداد اقتصادی ویا نظامی رژیم میتوانست بفتح مردم میهن ما باشد؟ چگونه انعقاد قراردادهای چند میلیارد دلاری برای خرید تسلیحات بفتح مردم بوده است؟ کدام قرارداد اقتصادی در جهت منافع خلق و پیشرفت اقتصادی میهن ما با امپریالیستها منعقد شده است؟

دولت بازرگان دقیقا در راهی گام برمیدارد که میهن ما را هر چه بیشتر وابسته کند، اگر چه این بود میبایستی بعنوان اولین گام انقلابی در رابطه وابستگی همه قراردادهای اسارت بار با امپریالیستها را ملغی کند و نه اینکه استدلال کند که دولت بخاطر رونق اقتصادی مجبور است طرحهای اقتصادی امپریالیستها را در ایران اجرا کند، وابستگی صنایع را همچنان حفظ کند و در حقیقت سیاست اعمال وابستگی هر چه بیشتر اقتصادی را دنبال کند.

در مورد خرید تسلیحات از آمریکا و ابقاء قراردادهای نظامی نیز استدلال دولت پوچ و عوامفریبانه است، اولاً با این سیاست نه تنها هیچ گامی در جهت قطع وابستگی نظامی برداشته نشده است، بلکه وابستگی را هر چه بیشتر تثبیت می کند، دولت بازرگان ویا هر دولت دیگری نظیر بازرگان ناهاموز بلکه همیشه میتواند استدلال کند که چون سلاحهای ارتش آمریکائی اند، پس باید مستشاران آمریکائی را با آغوش باز پذیرفت، قطعات بدکی و مهمات خرید و سلاحهای فرسوده را تجدید کرد و در نهایت ارتش آلت دست امپریالیسم آمریکا باشد.

ثانیاً - اگر دولتی سیاستهای تجاوزکارانه نداشته باشد، اگر دولتی آنچنان مردمی باشد که احتیاجی به فائتوم و توت و تانک برای سرکوب خلقهای میهن ما نداشته باشد، چه احتیاجی به سلاحهای تهاجمی دارد که بازم از حیث نظامی با امپریالیسم آمریکا وابسته باشد؟ و اگر دولتی به توده های مردم متکی باشد و مورد تجاوز قرار گیرد، همانطور که در ویتنام و کشور های دیگر نشان داده شد، اراده خلل ناپذیر کارگران، دهقانان و همه زحمتکشان با ابتدائی ترین سلاحها، پوزۀ امپریالیسم را با پیشرفته ترین سلاحهایش بکال خواهد مالید. پس اگر دولت بازرگان ابقاء قراردادهای نظامی را توجیه می کند، این آزمایش دولت اواناشی می شود.

مهندس بازرگان در بخش دیگری از صحبت خود می گوید: «اگر [قراردادها] را ادامه ندهیم به ضررمان خواهد بود و در دنیا هم «عهد شکن» و «بیعت شکن» تلقی می شویم. ضمن آنکه طرف هم جریمه را تا آخر از ما خواهد گرفت و ما هم از سرمایه گذاریهای هبگست این طرحها محروم میمانیم.» (نقل از اطلاعات پنجشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۵۸)

بازرگان ناشیانه استدلال می کند که اگر ما قراردادهای را ابقا نکنیم در دنیا بعنوان «عهد شکن» و «بیعت شکن» تلقی می شویم. آیا این عهد و بیعتان را شاه مزدور با امپریالیستها بسته است یا مردم ما؟ مگر انعقاد این قراردادهای از جانب رژیم سرنگون شده شاه با امپریالیستها از نظر مردم ما غیر قانونی نبوده است؟ مگر مردم رژیمی را که این قراردادهای اسارت بار را با امپریالیستها منعقد کرد، بگور نبردند و عملاً تمام اقدامات این رژیم را بی اعتبار اعلام نکردند؟

پس بازرگان چه حقی دارد با این بهانه قراردادهای را ابقا کند؟ شاید که بازرگان میخواهد عهد و بیعتان شاه را محترم بدارد! بهتر است آقای بازرگان صریح حرف بزند، دنبال توجیه و تفسیر نگردد و بگوید که برای خلعت به سرمایه داری، وابستگی هر چه بیشتر مملکت به امپریالیستها و زمینه سازی برای غارت میهن ما این قراردادهای را ابقاء می کند.

آقای بازرگان شما باید هم نگران باشید. زیرا اگر قراردادهای ابقاء نشود منافع شما و سرمایه داران دیگر به نظر خواهد افتاد. دیگر امپریالیستها نمی توانند سرمایه گذاریهای هنگت بکنند تا سهمی هم از این غارت نصیب سرمایه داران وابسته داخلی شود. اما مطمئناً خلقهای مبارز میهن ما بخوبی میدانند که سرمایه گذاریهای امپریالیستها و ابقاء قراردادهای بازرگان مملکت ما را عرصه غارت امپریالیستها و سرمایه داران وابسته داخلی خواهد کرد و بهر دولتی که در راه وابستگی میهن ما گام بردارد، پاسخ دندان شکنی خواهند داد.

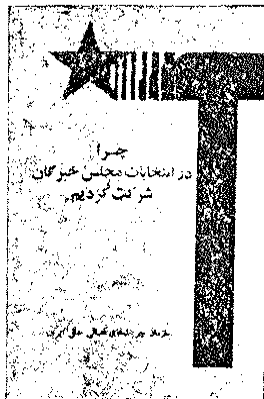
مردم میخواهند که رسماً همه قراردادهای که رژیم سابق با امپریالیستها منعقد ساخته اند ویا دولت بازرگان آنها را ابقاء کرده است منسوخ شوند تا بداند که پس از شهادت دهها هزار نفر از فرزندان راستین خلق و مبارزه دشوار و طولانی مردم ما دولت بازرگان چه بر سر مملکت می آورد، نه اینکه تنها پس از آفتابی چند سند، در نشریه کار، در تلویزیون ظاهر شود و به توجیه ابقاء این قراردادهای پردازد. مردم میخواهند بدانند که مستشاران آمریکائی در ایران چه می کنند، و بازگشت دسته دسته جاسوسان سیا و مستشاران آمریکائی به چه منظور و طبق چه قرار و مدارها نیست دولت باید قراردادهای مندرج در پیوست دو، و نیز قراردادهای مندرج در پیوست یک سند شماره ۱۳۳۸ م - ۴۲۳۵ را رسماً منسوخ کند، تا مردم از محتوی این قراردادهای که با ابقاء شانند ویا تحت بررسی هستند آگاه شوند. هرگونه برده پوشی و هرگونه انعقاد ویا ابقاء قراردادهای با امپریالیستها خیانت بتوده های مردم است.

معرفی کتابهای جدیدی که سازمان منتشر کرده است

نشریه کار در نظر دارد، از این پس هر هفته کتابهایی را که سازمان منتشر

می کند، معرفی نماید.

بخشی از این کتابها بوسیله هواداران ما ترجمه شده است و بخشی دیگر توسط خود سازمان، ترجمه و تالیف گردیده است.



ردیف	عنوان کتاب	مترجم	تعداد صفحات
۱	کتاب سازمان	مترجم: علی محمدی	۱۰۰
۲	کتاب سازمان	مترجم: علی محمدی	۱۰۰
۳	کتاب سازمان	مترجم: علی محمدی	۱۰۰
۴	کتاب سازمان	مترجم: علی محمدی	۱۰۰
۵	کتاب سازمان	مترجم: علی محمدی	۱۰۰
۶	کتاب سازمان	مترجم: علی محمدی	۱۰۰
۷	کتاب سازمان	مترجم: علی محمدی	۱۰۰
۸	کتاب سازمان	مترجم: علی محمدی	۱۰۰
۹	کتاب سازمان	مترجم: علی محمدی	۱۰۰
۱۰	کتاب سازمان	مترجم: علی محمدی	۱۰۰

فقط لیست ده نفری در کنار صندوقها...

- در بعضی حوزه ها، شناسنامه های رای دهندگان را مهر نمی زدند و در بعضی دیگر هر نوع کارت شناسایی را هم می پذیرفتند.
- در یک حوزه، صندوق رای دو درجه داشت یک درجه برای آراء مذهبی ها و یک درجه برای شیرو مذهبی ها.
- رای افراد بی سواد را مسئولین حوزه ها به میل خود می نوشتند.

گیری اعتراض کرده بود به اتهام پاره کردن عکس آیت الله خمینی به کمیته مسلمین عقیل بردند.

* در بیشتر حوزه های رای گیری ابتکار عمل در دست افراد غیر مسئولی بود که نه بازرس بودند و نه عضو هیات نظارت. افراد مسلح نیز در تمام کارها دخالت می کردند.

* در شهر زنجان در حوزه ۷۳ مقابل دانشگاه دامپزشکی پدر یکی از شهدای فدایی کسواد نداشت به یکی از بازرسا گفت که اسامی کاندیداهای سازمان را برایش بنویسد. یکی دیگر از بازرسا نسبت به این عمل اعتراض کرد و پیر مرد را به داخل چادر برد و از او بازخواست کرد و سرانجام اجازه ندادند رای دهد.

* در حوزه رای خیابان خزانه (محمد بخارایی) منطقه ۱۳ تعداد زیادی رای بی نام به صندوق ریخته شد.

* در حوزه رای گیری ۱۲۵۱ (خیابان کارگر، مسجد طلعه) با نشان دادن کارت شناسایی (تصدیق رانندگی، فتوکپی شناسنامه و غیره) کارت انتخابات می دادند و برای اینکه این عمل غیر قانونی مشخص نشود، بروی کارت شناسایی مهر نمی زدند.

در زیر دو نمونه از تراکت های رای می آوریم که در حین انتخابات پخش می شد

فرمان امام کردهای اسلامی با هم اتلاف کردند و نمایندگان مجلس خبرگان خود را در استان تهران اعلام میدارند

- ۱- آیت الله حسینعلی منتظری
- ۲- آیت الله سید محمود طالقانی
- ۳- حاجت الاسلام دکتر سید محمد حسین یثینی
- ۴- حاجت الاسلام سید عبدالحکریم موسوی اردبیلی
- ۵- حاجت الاسلام دکتر علی گلزاده شفقوری
- ۶- خانم منیره گرجی
- ۷- استاد ابوالحسن بنی صدر
- ۸- دکتر عباس شیبانی
- ۹- علی محمد عرب (کارگر)
- ۱۰- مهندس عزت الله سجایی

در روز رای این اسامی را همراه داشته باشید

جامعه روحانیت مبارز تهران - مدرسه حوزه علمیه قم
حزب جمهوری اسلامی - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - انجمن اسلامی مصلحان ایران
سازمان نصر اسلام - گروه اسلامی ایروند - اتحادیه انجمنهای اسلامی شهری - جنبش مسلمانان پیشگام - فدائیان اسلام
استاد بازرگان تهران
تکثیر از تبلیغات انجمن فرهنگ اسلامی

شعبه ۱- فرهنگ جنب مسجد اعظم
شعبه ۲- خیابان پادشاهان پشم
شعبه ۳- خیابان خراسان

در روز رای این اسامی را همراه داشته باشید

فرمان امام کردهای اسلامی با هم اتلاف کردند و نمایندگان مجلس خبرگان خود را در استان تهران اعلام میدارند

- ۱- آیت الله حسینعلی منتظری
- ۲- آیت الله سید محمود طالقانی
- ۳- حاجت الاسلام دکتر سید محمد حسین یثینی
- ۴- حاجت الاسلام سید عبدالحکریم موسوی اردبیلی
- ۵- حاجت الاسلام دکتر علی گلزاده شفقوری
- ۶- خانم منیره گرجی
- ۷- استاد ابوالحسن بنی صدر
- ۸- دکتر عباس شیبانی
- ۹- علی محمد عرب (کارگر)
- ۱۰- مهندس عزت الله سجایی

جامعه روحانیت مبارز تهران - مدرسه حوزه علمیه قم
حزب جمهوری اسلامی - سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - انجمن اسلامی مصلحان ایران
سازمان نصر اسلام - گروه اسلامی ایروند - اتحادیه انجمنهای اسلامی شهری - جنبش مسلمانان پیشگام - فدائیان اسلام
استاد بازرگان تهران
توجه هر يك نفر باید ده نفر را انتخاب نماید

این حال از یک رای هم نمی گذشتند. در حوزه های رای گیری بهر نیرنگ و حیله ای متوسل می شدند تا رای یک بیسوادی يك رای دهندهای را که نیاز به مشورت دارد، بگیرند. حتی بعضی از «افراد مامور» سرک می کشیدند تا رای مخفی رای دهند را بخوانند، بعضی از آنها حتی تذکر هم می دادند.

در یکی از حوزه های شهر ری ماموران خیال خودشان را راحت کرده بودند، برای صندوق رای دو درجه گذاشته بودند تا آرای اسلامی از غیر اسلامی جدا شود. (حتماً برای اینکه اگر تعداد آرای رفقای ما بیشتر بود صندوق را سر به نیست کنند، همچنانکه در چند حوزه ابتکار را کردند ویا برای اینکه رای دهند را تحت فشار قرار دهند ویا شناسایی کنند...). این اعمال و اعمال مشابه آن چنان «ناشیانه» انجام می گرفت که برای هر ناظر بی طرفی «قلای بودن» انتخابات روشن بود. آری، انتخابات مجلس خبرگان مخدوش و غیر دموکراتیک بود. این انتخابات یکبار دیگر نشان داد که حاکمیت موجود برخلاف ادعای همیشگی اش که نیروهای مرفقی را نیم درصد و یک طرف کم اهمیت تر آن، آنچه که بیشتر اهمیت داشت و در واقع نقش اصلی را برای انتخاب همه ی آن «دفعه» بازی کرد، بدست گرفتن مطلق حوزه های رای گیری و نگارند «افراد مملوم» برای نوشتن آرای انتخاباتی مردم بود. مردمی که در بسیاری موارد بدون داشتن سواد ویا آگاهی لازم به پای صندوق ها می آمدند و ورقه رای شان بوسیله همان افراد مملوم که در تمام حوزه ها حضور داشتند، از نام آن ده نفر بر می شد. لیست ده نفر (که نمونه آن را مشاهده می کنید) با جمله «به فرمان امام...» شروع می شد ویا این عبارت که «این ورقه را در روز رای گیری همراه داشته باشید» پایان می یافت. در بیشتر حوزه های رای گیری (وید ویژه در مناطق پسر جمعیت جنوب شهر)، در کنار صندوق رای میز دیگری قرار داشت که نویسندگان آرای مردم در پشت آن جای داشتند. اینها مملوم نوشتن اسامی «ده نفر کاندیدی از حزب واول» بر روی ورقه های آراء بیسوادان بودند. در جنوب شهر بیشتر زنان و بسیاری از مردان به این افراد معرفی می شدند و شناسنامه خود را به آنها تسلیم می کردند و پس از گرفتن ورقه رای که نام ده نفر بر روی آن نوشته شده بود، به پای صندوق می رفتند و وقتی با چند نفر از مردمی که ورقه رای شان بوسیله این افراد پر شده بود، گفتگو کردیم و پرسیدیم که آیا شما می دانید به چه کسی رای می دهید و آیا همه کسانی را که پروری این ورقه نوشته شده می دانید، یا قیافه بهت زده، نام یکی دو نفر را ذکر کردند و گفتند که بقیه را نمی شناسند. یکی از این رای دهندگان در پاسخ به سؤال ما گفت: «من تمام این ده نفر را نمی شناسم ولی می خواهم به اسلام رای بدهم و چون این ده نفر اسلامی هستند این ورقه را که برایم پر کرده اند قبول دارم». پرسیدیم چرا فقط این ده نفر مگر در میان ۱۲۲ کاندید فقط این دفتر اسلامی هستند؟ چرا شما به دیگران رای نمی دهید؟ در جواب گفت: چرا شما این سؤال را از من می پرسید، این را باید از آن «آقا» که ورقه من را پر کرده پرسید... اما نیازی به پرسش نبود زیرا فضای انتخابات در بیشتر حوزه ها در این جمله خلاصه می شد: «قرار بر این است که فقط نام آن ده نفر بر روی ورقه ها نوشته شود».

رادیو در تمام روز موضع داشت فضای انتخابات مجلس خبرگان یادآور فضای رای گیری های گذشته بود. همه چیز از پیش تعیین شده بود، صبح روز انتخابات پوسترها، اعلامیه ها، جرها، ماموران و... «ده نفر» بود، گویی حوزه های رای گیری و ماموران انتخابات کس دیگری را نمی شناختند. در نخستین ساعات صبح، رادیو با پخش پیام های موزیانیای مردم را به شرکت در انتخابات دعوت می کرد و بطور ضمنی از آنها می خواست به کاندیداهای اسلامی رای دهند. گزارشها و خبرهایی که در طول روز پخش شد، مصاحبه هایی که با رای دهندگان انجام گرفت، همه در جهت تشویق مردم به انتخاب کاندیداهای اسلامی بود. تنگ نظران، با اینکه می دانستند اگر رقیب، ۴۹ درصد آراء را هم بیاورد چائی در مجلس خبرگان ندارد و بنابراین پیروزی خود را در انتخابات قلمی می دانستند، ولی با

باشد، با اینکه مردم آگاه از پیش نسبت به چگونگی برگزاری این انتخابات مطمئن بودند و امکان هرگونه تخلف و تقلبی را پیش بینی می کردند، با این حال آنچه در عمل دیده شد فراتر از پیش بینی ها و پیش داوری ها بود. در آخرین روز انتخابات ناگهان ده ها هزار پوستر تبلیغاتی و اعلامیه «روز ودرشت» که نام ده نفر کاندیدی مورد نظر برخورد داشتند از زیر زمین چاپخانه ها بیرون آمدند و نه بر در و دیوار شهر بلکه مشخصاً در اطراف حوزه های رای گیری، داخل مساجد و کمیته ها، و حتی در کنار صندوق های رای جای گرفت. يك کارگر چاپخانه در این زمینه می گفت: «چاپخانه ما از يك هفته پیش، شب و روز پوستر تبلیغاتی و «لیست ده نفر» را چاپ می کرد و ما بسا تعجب می دیدیم که این ها «انبار» می شود. این ساله برای کارگران بصورت معما درآمد بود، اما در آخرین روز این معما حل شد. زیرا ما دریافتیم این پوسترها و لیست ها مخصوص حوزه های رای گیری و برای پخش در آخرین روز انتخابات است». ساله به این جا ختم نمی شود این فقط يك طرف قضیه است و حتی طرف کم اهمیت تر آن، آنچه که بیشتر اهمیت داشت و در واقع نقش اصلی را برای انتخاب همه ی آن «دفعه» بازی کرد، بدست گرفتن مطلق حوزه های رای گیری و نگارند «افراد مملوم» برای نوشتن آرای انتخاباتی مردم بود. مردمی که در بسیاری موارد بدون داشتن سواد ویا آگاهی لازم به پای صندوق ها می آمدند و ورقه رای شان بوسیله همان افراد مملوم که در تمام حوزه ها حضور داشتند، از نام آن ده نفر بر می شد. لیست ده نفر (که نمونه آن را مشاهده می کنید) با جمله «به فرمان امام...» شروع می شد ویا این عبارت که «این ورقه را در روز رای گیری همراه داشته باشید» پایان می یافت. در بیشتر حوزه های رای گیری (وید ویژه در مناطق پسر جمعیت جنوب شهر)، در کنار صندوق رای میز دیگری قرار داشت که نویسندگان آرای مردم در پشت آن جای داشتند. اینها مملوم نوشتن اسامی «ده نفر کاندیدی از حزب واول» بر روی ورقه های آراء بیسوادان بودند. در جنوب شهر بیشتر زنان و بسیاری از مردان به این افراد معرفی می شدند و شناسنامه خود را به آنها تسلیم می کردند و پس از گرفتن ورقه رای که نام ده نفر بر روی آن نوشته شده بود، به پای صندوق می رفتند و وقتی با چند نفر از مردمی که ورقه رای شان بوسیله این افراد پر شده بود، گفتگو کردیم و پرسیدیم که آیا شما می دانید به چه کسی رای می دهید و آیا همه کسانی را که پروری این ورقه نوشته شده می دانید، یا قیافه بهت زده، نام یکی دو نفر را ذکر کردند و گفتند که بقیه را نمی شناسند. یکی از این رای دهندگان در پاسخ به سؤال ما گفت: «من تمام این ده نفر را نمی شناسم ولی می خواهم به اسلام رای بدهم و چون این ده نفر اسلامی هستند این ورقه را که برایم پر کرده اند قبول دارم». پرسیدیم چرا فقط این ده نفر مگر در میان ۱۲۲ کاندید فقط این دفتر اسلامی هستند؟ چرا شما به دیگران رای نمی دهید؟ در جواب گفت: چرا شما این سؤال را از من می پرسید، این را باید از آن «آقا» که ورقه من را پر کرده پرسید... اما نیازی به پرسش نبود زیرا فضای انتخابات در بیشتر حوزه ها در این جمله خلاصه می شد: «قرار بر این است که فقط نام آن ده نفر بر روی ورقه ها نوشته شود».

رادیو در تمام روز موضع داشت فضای انتخابات مجلس خبرگان یادآور فضای رای گیری های گذشته بود. همه چیز از پیش تعیین شده بود، صبح روز انتخابات پوسترها، اعلامیه ها، جرها، ماموران و... «ده نفر» بود، گویی حوزه های رای گیری و ماموران انتخابات کس دیگری را نمی شناختند. در نخستین ساعات صبح، رادیو با پخش پیام های موزیانیای مردم را به شرکت در انتخابات دعوت می کرد و بطور ضمنی از آنها می خواست به کاندیداهای اسلامی رای دهند. گزارشها و خبرهایی که در طول روز پخش شد، مصاحبه هایی که با رای دهندگان انجام گرفت، همه در جهت تشویق مردم به انتخاب کاندیداهای اسلامی بود. تنگ نظران، با اینکه می دانستند اگر رقیب، ۴۹ درصد آراء را هم بیاورد چائی در مجلس خبرگان ندارد و بنابراین پیروزی خود را در انتخابات قلمی می دانستند، ولی با

ما در مطالب زیر به ذکر چند نمونه از صدها نمونه ای که بطور موقتی دریافت داشته ایم اشاره می کنیم:

* در بیشتر حوزه های رای گیری فقط پوسترها و بیانیتهای مربوط به ده نفر وجود داشت و به کسانیکه می خواستند در آخرین لحظه رای بنویسند لیست ده نفری داده می شد.

* در شعبه ۲۴۵ منطقه ۹ خیابان ناصر خسرو بعضی از شناسنامه ها را مهر نمی زدند. در مقابل اعتراض چند تن از مردم، مامور کمیته که کارت وزارت کشور داشت با لحن خاصی گفت: «اشکالی ندارد، اسلام پیروز است»

* در حوزه رای گیری شماره ۱۱۸ خیابان زنجان از بعضی رای دهندگان آدرس و نشانی می گرفتند.

* در شعبه ۳۶۹ خیابان نظام آباد، سرباست افراد مسلح که تازه از راه رسیده بود پسند بازرسین رای گیری که نماینده سازمان نیز در میان آنها بود گفت «هیچکس حق دخالت و نظارت ندارد، من خودم هستم».

* در چند حوزه رای گیری که نمایندگان سازمان حضور داشتند، مراقبت بیشتری بود و در مواردی از نمایندگان سازمان می خواستند که سکوت کنند.

* در حوزه مسجد امام حسین واقع در فوزه می خواستند بنام یکی از بازرساهای زن که چادر سرش بود، ورقه رای بگیرند. وقتی اعتراض کرد منهم به مخالفت با اسلام شد.

* در یکی از حوزه های رای گیری شناسنامه يك پسر جوان را که به وجود لیست ده نفری در حوزه رای گیری اعتراض کرده بود گرفتند و گفتند حق نداری رای بدهی.

* به يك پیرمرد که در حوزه جوادیه می خواست فقط به آیت الله طالقانی رای بدهد (از طرف رئیس حوزه بنام شیخ خلیلی طباطبائی) گفته شد حتماً باید به ده نفر رای بدهی. وقتی پیرمرد که کارگر چیت سازی بود اعتراض کرد، یکی از ماموران رای گیری ورقه را گرفت و اسامی ۹ نفر دیگر را در ورقه نوشت.

* در حوزه های رای گیری جنوب شهر چند مرد وزن جوان آرای بیسوادان را از روی لیست ده نفری می نوشتند و به مستشار می دادند.

* مردم جنوب شهر می گفتند ما درد مشکل زیاد داریم و به ما گفته اند که این ده نفر تنها کسانی هستند که می توانند مشکلات شما را حل کنند.

* در مسجد بنی هاشم واقع در خیابان خاوران يك کارگر که سواد نداشت از مامور انتخابات خواست که برایش اسامی کاندیداهای فدایی را بنویسد. کارگر اسامی را می گفت ولی مامور چیز دیگری می نوشت.

* یکی از مسئولان رای گیری حوزه ۱۱۱۲ را که نسبت به پوستر تبلیغاتی ده نفر در محل رای

حق تعیین سرنوشت خلق ها ضامن وحدت و یکپارچگی است



نقد و بررسی گزارشی از اعتصاب کارگران ایران ترمینال - خرمشهر

دانشجویان پیشگام آبادان در تاریخ پانزدهم تیرماه جزوه‌سی بنام «گزارشی از اعتصاب کارگران ایران ترمینال» منتشر کردند، درین جزوه وضع شرکت و جریان مبارزات گذشته و بخصوص اعتصاب اخیر این شرکت گزارش شده است. این اعتصاب در اثر وضع بحرانی منطقه تشکله شد. گزارش ضمن آنکه دارای نکات بسیار با ارزش و قابل تأکیدی است، دارای ضحکها و اشتباهاتی نیز هست. این ضحکها بیشتر ناشی از درک رهبران اعتصاب بوده است که عیناً به حرکت کارگران و نیز در گزارش منتقل شده است. قصد این نقد و بررسی آن است که ضمن بازگویی و تأکید بر نتایج مثبت حرکت کارگران، نقاط ضعف آن را نیز مورد توجه قرار گیرد:

شرکت ایران ترمینال در سال ۱۳۵۴ با سرمایه‌گذاری غلامرضا پهلوی، فریده دبیا و سه آمریکایی تأسیس شد. ایسن شرکت از مهمترین شرکت‌هایی است که در خرمشهر به تخلیه و بارگیری کالا مشغول است. تعداد کارگران شرکت ۱۷۳۵ نفر است که عموماً کرد و عرب می‌باشد که بدنبال اصلاحات ارضی بشهر سرازیر شده‌اند. مزد روزانه کارگران با روزی ۱۳ ساعت کار از ۴۹ تا ۵۸ تومان است. کارگران این شرکت در مهرماه سال گذشته با اوج‌گیری اعتصابات کارگران سراسر کشور، برای اولین بار با طرح‌خواسته‌های اقتصادی و رفاهی، اعتصاب کردند و بعد از

سه‌روز بخواسته‌های خود رسیدند. در جریان قیام نیز کارگران همراه با کارکنان بندر خرمشهر اعتصاب کردند. درین زمان مدیر عامل شرکت بدنبال فرار تعدادی از اربابان سرسیده‌اش از کشور خارج میشود و دولت موقت مدیرعامل جدیدی برای شرکت انتخاب میکند.

مدیر عامل که از وابستگان دربار پهلوی بود، کوشش مذبحخانه‌یی را برای استعمار بیشتر کارگران و زحمتکشان بندر آغاز کرد. نتیجه این کوشش، ایجاد دفتر حضور و غیاب بود.

گروهی از بارشماران خواستار حذف این دفتر شدند و بالاخره موفق شدند این دفتر را از بین ببرند.

بدنبال این پیروزی کارگران و بارشماران پیشرو شرکت از بقیه دعوت کردند که شورائی منتخب از نمایندگان انبارها، اسکله‌ها و محوطه‌های دیگر اداره تشکیل شود. پیگیری آنها نتیجه داد و یک هفته بعد شورا تشکیل شد. از اقدامات موفقیت‌آمیز شورا کاهش ساعات کار به ساعت، گرفتن حق شیفت و دوماه عیدی و پاداش بود.

در «گزارش» بدنبال این دستاوردها نوشته شده است: «از آنجا که در شرکت ایران ترمینال تولید و توزیع و فروش بهیچوجه مطرح نیست و این شرکت کار تخلیه و بارگیری را انجام میدهد و از آنجا که

ارتباط پیوسته بین کارگران این شرکت بخاطر ویژگی کار پراکنده آنها، نبود شورا نمی‌توانست پاسخگوی مشکلات کارگران در سطح وسیع باشد.

بدین جهت نمایندگان، کارگران و بارشماران را دعوت به گروه‌هایی نمودند و پس از توضیح ضرورت تشکیل سندیکا همگی بتوافق رسیدند که سندیکای کارکنان شرکت ایران ترمینال را بوجود آورند.» در انتهای هفته ۱۳۵۵ نفر بصورت سندیکا درآمد بودند.

کارگران برای رسیدن بخواست خود که استخدام رسمی بود، ابتدا بمقامات مسئول مراجعه میکنند ولی خواست بر حق آنان از طرف مدیر عامل اداره بندر خرمشهر رد میشود. درین شرایط کارگران پی‌پی‌برند که مبارزه راه دیگری می‌طلبند بنابراین از تاریخ هفده اردیبهشت اعتصاب میکنند.

کارگران در توضیح علت اعتصاب چنین می‌گویند: «ما برای پیمانکار کار نمی‌کنیم، میخواهیم ارزش حاصل از کار ما مستقیماً به صندوق دولت برود تا خرج رفاه و آسایش مردم بشود نه اینکه پیمانکار دسترنج ما را در بهترین نقاط دنیا صرف عیاشی و خوشگذرانی کند. پس این عمل ما در رابطه با قطع دست پیمانکار و در جهت تحکیم دولت موقت است. باید سازمان بنادر بما پاسخ مثبت بدهد، مقامات مسئول در مقابل اعتصاب کارگران بقیه در صحنه ۵

اعتراض به نحوه شرکت مسیحیان در انتخابات مجلس خبرگان

هوولطان مسیحی ما حق رای دادن فقط به یک‌کاندیدی را داشتند و این باعث ناراحتی و اعتراض آنها به برگزار کنندگان انتخابات مجلس خبرگان شد. یکی از این هوولطان خود، نامه کوتاهی به سازمان ما نوشته و در آن گفته است:

چریکهای فدائی خلق ایران من یک فرد مسیحی و از طرف افراد مسیحی حرف می‌میخواهم بزنم. حرف من این است که موقتاً کسماً (مسیحیها) میخواستیم رای بدیم از طرف هیات نظر بهما اعلام کردند که ما فقط میتوانیم به یک نفر رای بدیم آهم به یک ارمنی و دیگری حق نداریم به کاندیداهای دیگر رای بدیم

چریکهای فدائی خلق ایران من یک فرد مسیحی و از طرف افراد مسیحی حرف می‌میخواهم بزنم. حرف من این است که موقتاً کسماً (مسیحیها) میخواستیم رای بدیم از طرف هیات نظر بهما اعلام کردند که ما فقط میتوانیم به یک نفر رای بدیم آهم به یک ارمنی و دیگری حق نداریم به کاندیداهای دیگر رای بدیم

پیروزی کارگران کارخانه پوشش

در تثبیت ۴۰ ساعت کار در هفته

گیلان - تحمن نمایندگان کارگران کارخانه پوشش برای بازپس گرفتن دستمزد خویش که توسط مدیر عامل مزدور این کارخانه بنام زال بعثت عملی شدن ۴۰ سال کار از جانب کارگران ضبط شده بود، با گرفتن دستمزد بطور کامل، پایان یافت.

کارگران خواهان ۴۰ ساعت کار در هفته هستند

هشت ساعت کار را بعنوان حدقانونی کارروانه در آلمان پیشنهاد کرد، واقدامات وسیعی در این جهت ازسوی اتحادیه‌های کارگری صورت گرفت. اترناسیونال دوم نیز اول‌ماه مه روز همبستگی کارگران سراسر جهان را درعین حال بعنوان روزی تعیین کرد که کارگران باید برای هشت ساعت کار مبارزه کنند تا سرانجام در اثر مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر ۸ ساعت کار روزانه در سطح جهانی برسمیت شناخته شد. این مبارزه طبقه کارگر برای کاهش ساعات کار همچنان ادامه یافت تا اینکه درسالهای پس از جنگ جهانی دوم ۴۰ساعت کار در هفته در کشورهای اروپائی عملی گردید و امروزه طبقه کارگر اروپا برای ۳۵ ساعت کار در هفته مبارزه می‌کند و ما خبر آن را در چند شماره قبل آوردیم.

در ایران نیز طبقه کارگر، مبارزه خود را برای کاهش ساعات کار ادامه داد. در سال های بین ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۵ یکی از خواسته‌های کارگران برسمیت شناخته شدن ۸ ساعت کار روزانه بود که در سال ۱۳۲۵ بتصویب رسید. امروز گرچه هنوز هم در بسیاری موارد این اصل رعایت نمی‌شود و در پارهای از مناطق ساعات کار روزانه به ۱۵ تا ۱۲ ساعت نیز میرسد، اما طبقه کارگر ما بخصوص همراه با اوج‌گیری مبارزه‌ای که منجر بهسنگوبسی رژیم شاه شد، خواست ۴۰ ساعت کار در هفته را مطرح کرده است. گرچه سرمایه‌داران و دولت حامی آنها تاکنون باین خواست برحق کارگران توجهی نکرده‌اند و آنرا برسمیت نشناخته‌اند، اما کارگران در برخی ازکارخانه ها بشکل انقلابی آنرا به مرحله عمل درآورده‌اند و حد قانونی کار ۴۰ ساعت در هفته را تثبیت کرده‌اند. در رشت پیش از ۱۳ کارخانه، در

مبارزه کارگران برای کاهش ساعات کار همواره بخشی از مبارزه طبقه کارگر بوده‌است. این مبارزه از همان آغاز پیدایش سرمایه‌داری که سرمایه‌داران ۱۶ تا ۱۸ ساعت کارگران را به کار وامی‌داشتند تا پامروز ادامه دارد. سرمایه‌داران بمنظور استثمار هرچه بیشتر کارگران سعی می‌کنند که ساعات کار را طولانی کنند تا سود بیشتری ببرند، اما در عوض یکی از خواسته‌های کارگران نیز همیشه کاهش ساعات کار بوده است.

در آغاز پیدایش سرمایه‌داری، کارگران که زیر بار کار روزانه ۱۴، ۱۶ ویا حتی ۱۸ ساعت قراردادشده تقاضای ۱۵ ساعت کار را داشتند و برای این منظور دست به تشکیل اتحادیه‌ها ویراء انداختن اعتصابات و تظاهرات زدند. تا بالاخره موفق شدند خواست ۱۵ساعت کار را عملی سازند.

همراه با تنکلی و آگاهی طبقه کارگر و مبارزات پی‌گیر آن بخصوص در نیمه دوم قرن نوزدهم، خواست تثبیت هشتساعت کار در روز مطرح شد و بزودی تبدیل به یک جنبش جهانی برای ۸ ساعت کار روزانه شد. درهجه کشورهای سرمایه‌داری مبارزه وسیعی ازسوی طبقه کارگر برای عملی کردن این خواست آغاز شد. مبارزه‌ای که در بسیاری موارد حتی منجر به کشته شدن، اعدام و بازداشت تعدادی از کارگران گردید. مثلاً در پی اعتصابات و تظاهرات شکوهمند کارگران آمریکائی در اول ماه مه ۱۸۸۶ که یکی ازخواستهای اساسی آن ثبت ۸ ساعت کار روزانه بود، تعدادی از کارگران که مورد یورش پلیس قرارگرفته بودند، کشته شدند.

قبلاً بین الملل (اترناسیونال) اول کارگری

چه کسانی می‌خواهند در صنایع فولاد برادر کشی راه بیندازند

کارگران نیست و آنهایی که به چنین اقدامات مونیانه‌ای متوسل میشوند از کارگران نیستند. زیرا کارگران امروز قاطعانه خواستار بیرون انداختن جاسوسان، توطئه‌گران و مزدوران وابسته به رژیم سابق که هم‌اکنون در مسند قدرت قرار دارند، می‌باشند. آنها که در سایه نفوذ ارتجاع، دزدانه بسوی قدرت خزیده‌اند، باید هم امروز چماق سرکوب به پنجارخانه سفارش بدهند باینهم از کارگران آگاه و رهبران اعتصابات پیشین، لیست سیاه تهیه کنند، باید هم با ایجاد دودستگی و تفرقه زمینه را برای آشوب و برادر کشی بیسن کارگران فراهم کنند. و تمجیب هم ندارد که این توطئه‌ها در شرایطی طرح میشود که کارگران بیش از هر زمان برای بوجود آوردن شوراها و سندیکاهای واقعی خود به یکپارچگی و وحدت نیاز دارند. نیروی ویژه (این جانشین خلف ساواک در کارخانه) نیز فقط و فقط برای تکمیل چنین دیسه‌ها و اقدامات شومی است که تشکیل میشود.

همکاران مبارز:

همه بخوبی آگاهییم که ما کارگران با همدیگر هیچ اختلاف و کینه و ستیزی نداریم. اکثر ما کارگران همکار قدیمی هستیم، رنجها را باهم کشیده و پشت به پشت هم مبارزه کرده‌ایم، پای یک سفره غذا خورده و زیر یک ستم قرار گرفته‌ایم، و بالاخره از برکت وحدت و یکپارچگی‌مان بود که توانستیم به زباله‌دان تاریخ بیندازیم. پس این کدام نیروی پلید است که امروز قصد برهم زدن وحدت دشمن برانداز ما را دارد؟ کدام نیروی اهریمنی است که امروز میخواهد برادر کشی را بر ما تحمیل کند؟ ما کارگران ستدیده فولاد که در کوره اعتصابات و قیام آبدیده شده‌ایم، بخوبی از ماهیت این نیروی پلید و هرزه آگاهییم. سرمایه‌داران و خودفروشان کاسه‌لیس آنها - که محور اصلی چنین نیروی هستند - باید بدانند که اتحاد مقدس و آهنین ما کارگران با چنین تحریکاتی از هم نمی‌پاشد. آنها باید بدانند که خشم آهنین کارگران روزی دامن آلوده‌شان را خواهد گرفت و در زبانه‌های آتش خود خاکسترشان خواهد نمود.

برقرار باد وحدت دشمن براننداز کارگران
مرکز برجاسوسان، توطئه‌گران، و نفاتی‌افکنان

کارگران پیشرو صنایع فولاد
۵۸۴۲۱۳

مورگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا و وابستگانش